



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

۲۴۴

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com) چهارشنبه ها منتشر میشود ۲۹ فوریه ۲۰۱۲ - ۱۰ اسفند ۱۳۹۰

## کنفرانس بین المللی روز جهانی زن

اطلاعیه حزب بمناسبت 8 مارس

آزادی و برابری زنان  
در گرو مبارزه ای همه جانبه علیه نظام حاکم

### بیانیه حقوق زنان

مصوب دفتر سیاسی حزب



یادداشت سر دبیر،

سیاوش دانشور

## کمونیسم کارگری و مسئله زن

قرن بیست و یکم است. دنیا غرق ثروت و تکنولوژی پیشرفته و دستاورد علمی و توان غول آسای انسانی است. دنیای امروز، اگر از عینک نظام بورژوائی و دستگاه مافیائی مذهب و مردسالاری نهادینه در آن نگریسته نشود، با هر محاسبه ای میتواند دنیائی آزاد و مرفه و خوشبخت برای همگان باشد. میتواند از فقر و فلاکت و زن ستیزی و جامعه ستیزی و مصائب گریبانگیر بشر آزاد باشد. اما هنوز مردسالاری و خشونت علیه زن هزارها بار بیشتر از طاعون و جزام و ایدز و بیماریهای اپیدمیک و حتی جنگها از بشریت قربانی میگردد. منشا این زن ستیزی، این جان سختی مردسالاری، این فرهنگ ماچویستی کجاست؟ چرا ضدیت با آزادی و حرمت زن بعنوان یک انسان برابر در تمام شئون اجتماعی، علیرغم تفاوتی که در حقوق و موقعیت زنان در کشورهای مختلف هست، به شناسنامه دنیای امروز تبدیل شده است و چرا این فرهنگ منحط هر روز بازتولید میشود؟

تاریخ مکتوب بشر با زن ستیزی و زن کشی عجیب است. به این اعتبار زن ستیزی و تبعیض براساس جنسیت ویژگی سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ را مطابق با نیازهای بازار و سود سرمایه نونوار کرده است. مصائب جامعه امروز دیگر میراث عهد بوق و دوران جهالت بشر نیست بلکه محصول نظام سیاسی و اقتصادی امروز است. اگر هنوز زن کشی در دنیای امروز الگوهای قرون وسطی را بخاطر می آورد، تنها بیانگر این

صفحه ۲



ایران: انقلاب زنانه،  
مصافی مهم علیه اسلام

صفحه ۶

آذر ماجدی



در حاشیه پلاتفرم حزب  
در قبال جنگ تروریستها - ۲

صفحه ۹

گفتگو با علی جوادی



تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا  
ضرورت یک جبهه جهانی علیه اسلام سیاسی

صفحه ۱۲

هما ارجمند

### اعتصاب کارگران پالایشگاه اصفهان

### اعتصاب کارگران فاز ۱۵ پارس جنوبی

### شکست جریان راست کورش مدرسی

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## کمونیسم کارگری و مسئله زن ...

یک آکتور مهم سیاسی در معادلات بین المللی و سوسیالیسم را بعنوان پیشروترین جنبش "دهکده جهانی" مقابل بشریتی میگذارد که در جستجوی راهی برای برون رفت از کثافات سرمایه داری است.

برای کمونیسم کارگری جنبش آزادی زن جنبشی قائم بذات برای نفی تبعیض و نابرابری است. اگر برای بورژوازی فرودستی زن یک رکن انباشت سرمایه است، برای کمونیسم کارگری آزادی زن یک رکن اساسی آزادی جامعه است. بشریت کارگری که برای آزادی جامعه برمیخیزد ناچار است بعنوان بشریت آزاد از هر گونه تبعیض و نابرابری برخیزد و به همین اعتبار ناگزیر است در تمام ابعاد ریشه های تبعیض و نابرابری و زمینه های اقتصادی و اجتماعی آن را در هم بکوبد.

در کشورهای اسلام زده که آپارتاید جنسی یک رکن حاکمیت سرمایه داری است، فرودستی زن دیگر از جنس نژاد پرستی و سلب هویت اجتماعی و انسانی نیمی از جامعه است. در کشورهایی که هویت انسانی اولیه نیمی از جامعه رسماً و قانوناً برسمیت شناخته نمیشود، امر سوسیالیسم و کمونیسم کارگری به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد.\*

اولین بار در ستون یادداشت سردبیر، شماره ۱۴۱ در ۳ مارس ۲۰۱۰ منتشر شد.

نابرابری است و باید مادام که ذره ای از تبعیض براساس جنسیت برجاست پرچم آن برافراشته باشد.

مسئله زن در ایران اما به نفی حاکمیت آپارتاید جنسی و قوانین ضد زن اسلامی محدود نمیشود. مسئله زن در ایران یک گوشه جدال بین المللی و تعیین کننده با اسلام سیاسی نیز هست. این تفاوتی است که برای مثال در سه دهه پیش در



International Women's day demonstrators Tehran, March 8, 1979

معادلات استراتژیک جهانی نبود. زن ستیزی، حجاب، حاکمیت قوانین آپارتاید جنسی، از ارکانهای مهم ایدئولوژی جنبش اسلام سیاسی است. انقلاب زنانه علیه این وضعیت کمر جنبش اسلام سیاسی را میشکند و سرآغاز دوران نوینی از برابری خواهی و آزادیخواهی سوسیالیستی در منطقه و جهان را باعث میشود. پیروزی بر حاکمیت آپارتاید در ایران زنان را بعنوان

متحجر بازار و "فرهنگ سازان" مرتجع بورژوا بازتولید میشوند.

در این دنیای تاریک است که ما کارگران و کمونیستها، ما زنان و مردان برابری طلب، ما انسانهای فهیم و آزاد اندیش، هنوز پرچم ۸ مارس را در دست داریم. آرزوی ما این نیست که تا جهان وجود دارد

به خیابان بیائیم و از برابری زن و مرد دفاع کنیم! آرزوی ما اینست که دیگر جنگی برای ۸ مارس ضروری نباشد. تبعیض براساس جنسیت مانند هر جهالت و عقب ماندگی تاریخی دیگری ور افتاده باشد. ۸ مارس میراث و سنت کمونیسم کارگری است و بحق باید عزیز داشته شود. اما هدف این جنبش نفی فوری نابرابری و تبعیض و نفی شرایطی است که جامعه طبقاتی با تمام تضادها و تناقضات و مصائبش زندگی بشر امروز و از جمله زنان را به جهنمی روی زمین تبدیل کرده است. ۸ مارس صرفاً یک یادواره و مراسم "تکریم" از عقاید پیشرو و آرمانهای آزادیخواهانه نیست، بلکه جبهه ای قدیمی در جنگ علیه تبعیض و تحجر و

واقعیت است که افکار و عقاید طبقه حاکم و نظام سرمایه داری تا سطح افکار و فرهنگ قرون وسطی سقوط کرده است. در دنیایی که انفجار اطلاعات آن را به "دهکده ای جهانی" تبدیل کرده است، در هر گوشه این دهکده، بورژواها و ژنرال ها و مشتی سیاستمدار نوکر و آخوند و سر عشیره و آدمکش حرفه ای خدائی میکنند. علم و دانش و تکنولوژی و ثروت و دستاوردهای بشری، در دست بورژوازی به وسیله ای برای عقب راندن بشریت به عهد جهالت و رواج مردسالاری و خودمحوری و زن ستیزی و خشونت عربان علیه میلیاردها نفر در خدمت منافع اقلیت بسیار بسیار ناچیزی، یعنی طبقه بورژوازی، بدل شده است.

نه فقط ستمکشی زن و تبعیض براساس جنسیت، بلکه نفس وجود هر نوع ستم و تبعیضی در دنیای امروز، رابطه مستقیمی با منافع نظام سرمایه داری و طبقه حاکم دارد. از خانواده بعنوان یک نهاد اقتصادی تا قلمرو تولید و مناسبات اجتماعی و قوانین، موقعیت فرو دست زن وسیله ای برای کسب سود است و منافع طبقه ای را پاسداری میکند. ستمکشی زن یک رکن انباشت سرمایه است. همین ضرورت بازتولید بقای تبعیض و نابرابری و نگرش ضد زن و خشونت علیه زنان را توضیح میدهد. زن ستیزی مسئله ای صرفاً فرهنگی و اخلاقی واپسگرا نیست، مسئله اقتصادی و اجتماعی است. به منافع سلسله مراتب نابرابری در جامعه در تمام سطوح خدمت میکند و دقیقاً به همین اعتبار افکار و آرا و نگرش ضد زن ضروری اند و توسط نقاره کشان فسیلی دستگاه مذهب و ایدئولوژی

**برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی همین امروز!**

اطلاعیه حزب بمناسبت ۸ مارس

## آزادی و برابری زنان در گرو مبارزه ای همه جانبه علیه نظام حاکم

میشوند؛ اگر تازیانه های مذهب بر پیکره زنان فرود می آید و میکوشد آنها را مطیع و فرمانبردار نگاه دارد؛ اگر اوباش سرمایه میکوشند که با اسید پاشی به زن فعال حقوق کارگری او را خاموش سازند و سرمشقی برای زنان دیگر قرار دهند؛ اگر ایدئولوگ های دست راستی میکوشند در شرایط بحران زنان را متقاعد کنند که مکان طبیعی آنها خانه است؛ اگر هنوز تجاوز به زنان بعنوان سلاح به تسلیم واداشتن دشمن جنگی مورد استفاده وسیع قرار میگیرد؛ اگر برده داری نوین جنسی بازار گرمی پیدا کرده است؛ اینها همه بیانگر آنست که نظام سرمایه داری به وجود زن ستیزی و مردسالاری نیازمند است. آزادی و برابری کامل زن و مرد در گرو سرنگونی سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری مدافعین آزادی و برابری واقعی و کامل زن و مرد را به پیوستن به صفوف حزب فرا میخواند. هیچگاه جهان این چنین به کمونیسم، به مارکس و منصور حکمت نیازمند نبوده است. هیچگاه شرایط این چنین برای سرنگونی نظام استثمار و تبعیض و خشونت سرمایه داری آماده نبوده است. کمونیسم کارگری همواره پرچم آزادی و برابری زن را به اهتزاز درآورده است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری اعلام میکند که با تمام قوا برای آزادی زن و برابری کامل زن و مرد میکوشد.

**زنده باد آزادی زن!**

**زنده باد ۸ مارس!**

**زنده باد سوسیالیسم!**

**حزب اتحاد کمونیسم کارگری**

۲۹ فوریه ۲۰۱۲

**آزادی زن، معیار آزادی  
جامعه است!**

زنان نه تنها مورد تهدید دائم خشونت و تجاوز اند، بلکه در عرصه اقتصادی نیز در نا امن ترین بخش اقتصاد به کار اشتغال دارند. کارهای نیمه وقت، با حداقل دستمزد و موقت عمدتاً توسط زنان اشغال میشود. در شرایط بحران اقتصادی نیز ایدئولوژی مردسالار بطور فعال و آگاهانه برای فرستادن زنان به خانه بکار میافتد.

در تمام بحران های اقتصادی زنان به بازگشت به خانه و نگهداری از کودکان و گرم نگاه داشتن محیط خانه و خانواده تشویق شده اند. اما در دوران شکوفایی اقتصادی، یا نیاز به نیروی کار زنان مانند زمان جنگ، دولت و آکادمیها با طرح تئوری های ارزشی جدید زنان را به بیرون آمدن از خانه تشویق کرده اند. بحران جاری نیز خارج از این قاعده قرار ندارد. اخیراً یک مخزن فکری علوم اجتماعی در بریتانیا تحقیقی منتشر کرده مبنی بر اینکه کار زنان در خارج از خانه به سلامت فکری و تربیت روحی کودکان لطمه میزند. درست زمانی که بورژوازی و دولت بورژوازی از شیخ مارکس به لرزه افتاده است و رقم بیکاری در بریتانیا به بیش از ۲ میلیون رسیده است، این تحقیقات به بازار عرضه میشود.

اگر زنان، پس از یک قرن مبارزه برای آزادی و برابری، هنوز در این موقعیت وخیم قرار دارند؛ اگر هر سال بیش از یک میلیون زن از خشونت جان خود را از دست میدهند؛ اگر از هر سه زن در دنیا یک نفر مورد خشونت پارتنر خود قرار میگیرد؛ اگر زنان با نرخ وحشیانه ای در کارخانه ها استثمار

دستمزد متوسط زنان حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از دستمزد مردان پایین تر است. در این کشورها نیز خشونت، قتل و تجاوز به زنان ارقام بالایی دارد. فحشاء اکنون در قرن بیست و یک بصورت برده داری مطلق درآمده است. زنان بسیاری با فریب و زور به اسارت باندهای قاچاق انسان درآمده و مجبور به تن فروشی میشوند. هر سال تعدادی از این زنان قربانی توسط پلیس کشورهای غربی کشف میشوند. بعضاً این زنان با زنجیر به تختخواب بسته شده اند. این زنان قربانی فقر و فلاکت نظام سرمایه داری اند.

زن ستیزی یک ایدئولوژی و سیستم عقیدتی و فرهنگی کهن است. اما نظام سرمایه داری این سیستم را کاملاً با نیازهای خود تطابق داده و از آن بهره میجوید. کافی است فقط به استثمار وحشیانه میلیون ها زن در کشورهای باصطلاح جهان سوم توسط نه تنها سرمایه های باصطلاح "ملی"، بلکه سرمایه های جهانی نظری بیاندازید، تا منافع هنگفت ستمکشی زن و فرودستی زن را برای نظام سرمایه داری درک کنید. از لباس های شیک بوتیک های بین المللی تا قطعات کامپیوتر و تلفن موبایل و اسباب بازی و غیره توسط میلیون ها زن کارگر و زحمتکش بیحقوق در این کشورها تولید میشود. سودهای نجومی سرمایه از کار این زنان گواه محکمی بر نیاز سرمایه به ستمکشی زن است.

۸ مارس، روز جهانی زن فرا میرسد. جنبش آزادی زن و جنبش کمونیستی هر سال در آستانه ۸ مارس یکبار دیگر تعهد خود را به مبارزه برای آزادی بی قید و شرط زن و برابری کامل و واقعی زن و مرد اعلام میکند. گرامیداشت ۸ مارس و اعلام تعهد جهانی به امر آزادی زن در آستانه این روز به یک سنت پایدار رادیکال در جهان بدل شده است. دو سال پیش دنیا صدمین سالگرد ۸ مارس را گرمی داشت و اکنون در بحران جهانی سرمایه داری، موقعیت میلیون ها زن در شرایط خطیر تر و وخیم تری قرار گرفته است.

گرایشاتی که آزادی و برابری زن را صرفاً به یک مبارزه برای کسب حقوق محدود میکنند، بویژه در شرایط بحران اقتصادی، با جان سختی سنت زن ستیزی در جامعه مواجه میشوند. بر متن ده ها سال تلاش برای آزادی زن و برای دفاع از برابری زن و مرد، میلیون ها زن در جهان تحت خشونت عنان گسیخته دولتی، مذهبی و در نهاد خانواده بسر می برند. میلیون ها زن قربانی خشونت روزمره توسط همسران، پدران، برادران و خانواده همسر خود هستند. از ضرب و شتم تا اسید پاشی و به آتش کشیدن سرنوشت بخش عمده زنان در دنیا را رقم میزند. قتل ناموسی، این پدیده قرون وسطایی هنوز هزاران قربانی از زنان میگیرد. به همت رشد و قدرت گیری اسلام سیاسی و جنبش های مذهبی، سنت های عتیق جنایت و زن ستیزی، همچون سنگسار احیاء شده است. شرمناک است، اما واقعیت دارد.

درست است که تفاوت حقوق و جایگاه زن و مرد در کشورهای غربی به عریانی کشورهای دیگر جهان نیست. اما در این کشورها نیز اکثریت

در جوامع پیشرفته سرمایه داری غرب نیز زنان هنوز از حقوق و ایمنی پایین تری نسبت به مردان برخوردارند. علیرغم تصویب حقوق برابر در این کشورها،

# بیانیه حقوق زنان

مصوب دفتر سیاسی حزب

درآید عبارت است از:

۱- اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۲- تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات سیاسی جامعه در سطوح مختلف. حق بی قید و شرط زنان به شرکت در انتخابات در کلیه سطوح و احراز و تصدی هر پست و مقام، اعم از سیاسی، اداری، قضایی، و غیره. لغو هر قانون و مقرراتی که حق زنان در شرکت برابر در حیات سیاسی و اداری جامعه را محدود میکند.

۳- لغو کامل آپارتاید جنسی، ممنوعیت هر نوع جداسازی و محروم سازی افراد (زن و مرد) از محیط اجتماعی و امکان معاشرت.

۴- حق هر زوج بالای ۱۶ سال به زندگی مشترک به میل و انتخاب خود. ممنوعیت هر نوع اجبار و اعمال فشار از جانب هر فرد و مرجعی بر افراد در امر انتخاب همسر، زندگی مشترک و جدایی.

۵- برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت داریی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کار خانگی و اشتغال حرفه‌ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده. ممنوعیت تعدد زوجات. ممنوعیت صیغه. لغو کلیه تعهدات انقیاد آور زن به شوهر در

آزادی زن را در مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری ظنین انداز کرده است. جنبش آزادی زن جنبشی رادیکال و ضد اسلامی است.

جنبش برای آزادی زن در ایران به یمن مبارزات خستگی ناپذیر، دخالت گسترده و نفوذ و تاثیر کمونیسم کارگری هر روز رادیکالتر و منسجم تر میشود. کمونیسم کارگری تلاش های جریانات راست و ملی- اسلامی در به سازش کشیدن جنبش آزادی زن و در کند کردن رادیکالیسم این جنبش را افشاء و طرد نموده است. کمونیسم کارگری در پیوند عمیق خود با جنبش آزادی زن خواستها و آمال آن را گسترش داده و تعمیق کرده است. کمونیسم کارگری به سخنگو و رهبر رادیکال این جنبش بدل شده و پرچم آزادی زن را بلند کرده است. جنبش آزادی زن امروز از ارکان مهم مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

رهایی زن و برابری کامل زن و مرد در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی، لغو مناسبات سرمایه دارانه و برقراری جمهوری سوسیالیستی است. امری که حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای آن مبارزه میکند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند. رئوس قوانین و اقداماتی که باید هم اکنون بفوریت برای شروع رفع تبعیض بر زنان به اجرا

مردسالاری و زن ستیزی یکی از وجوه تاریک و شرم آور جامعه بشری است. رهایی زن و برابری زن و مرد یک آرمان تاریخی و قدیمی بشریت است. تاریخ شاهد جنبش های وسیع برای آزادی زن بوده است.

تبعیض علیه زنان خاص ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نیست. تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. ولی در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ستمکشی زن ابعادی هولناک بخود گرفته است. جمهوری اسلامی از بدو حاکمیتش با شلاق و ترور و شکنجه به حقوق زنان یورش برده است. همواره تلاش کرده است تا موجودیت زنان را زیر حجابی سیاه بپوشاند؛ تلاش شان برای دستیابی به استقلال اقتصادی را سد کند؛ موجودیت جنسی شان را با سنگسار پاسخ گوید؛ و با توسل به خشن ترین شیوه های سرکوب موقعیت زن را در جامعه و خانواده به دوران قرون وسطی بازگرداند. حاکمیت آپارتاید جنسی و تحمیل حجاب اسلامی برجسته ترین نمادهای بردگی جنسی جامعه امروز ایران است.

از همان ابتدای حیات جمهوری اسلامی یک مبارزه بلاانقطاع و رادیکال علیه این بردگی جنسی و زن ستیزی عریان تولد یافته است. مبارزه علیه ستمکشی زن بمثابة یک رکن مهم مبارزه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جامعه برسمیت شناخته شده است. هم اکنون یک جنبش وسیع، پر قدرت و بالنده برای دفاع از حقوق زنان در جریان است. طی دو دهه گذشته این جنبش از فراز و نشیب های بسیاری عبور کرده است و اکنون با صدایی رسا خواست

شرع و سنن کهنه. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او ولو بدون اعمال خشونت. اینگونه موارد باید در صورت شکایت زن بعنوان تجاوز جنسی توسط شوهر مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرند. ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به زن در خانواده. اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده.

۶- برقراری رابطه آزاد و داوطلبانه جنسی حق انکار ناپذیر همه کسانی است که به سن قانونی و بلوغ جنسی رسیده اند.

۷- برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای. شمول یکسان قوانین کار و بیمه های اجتماعی بر زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض. مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان. لغو هر نوع محدودیت بر تصدی مشاغل و حرفه های مختلف توسط زنان. برابری کامل زن و مرد در کلیه امور مربوط به دستمزد، بیمه ها، مرخصی ها، ساعات و شیفت کار، تقسیم کار و طبقه بندی مشاغل، ارتقاء شغلی، نمایندگی کارگران در سطوح مختلف. تصویب و اجرای مقررات و موازین ویژه در بنگاه ها برای تضمین ادامه کاری حرفه ای و شغلی زنان، نظیر ممنوعیت اخراج زنان باردار، ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار و وجود تسهیلات ویژه مورد نیاز زنان در محل کار. ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد با پرداخت حقوق که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد. تشکیل هیات های بازرسی و کنترل، با وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات فوق توسط بنگاه ها.



## بیانیه حقوق زنان ...

تشکیل مراجع تشخیص و حکمیت در مورد برابری حقوق زن و مرد در اشتغال حرفه ای و محیط های کار اعم از دولتی و غیر دولتی و انتفاعی و غیر انتفاعی. تعقیب قانونی و مجازات سنگین بنگاه ها و مدیرانی که از اصل برابری مطلق زن و مرد در فعالیت حرفه ای تخطی کنند.

ایجاد موسسات و نهادها و فراهم کردن رایگان تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه ها و مهد کودک ها و کلوب های تفریحی - تربیتی کودکان در سطح محلی که، با توجه به فشار یکجانبه کار خانگی و نگهداری از فرزندان بر زنان در شرایط کنونی، ورود زنان به فعالیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در خارج خانواده را تسهیل میکند.

۸- لغو کلیه قوانین و مقررات و راه و رسم های دست و پاگیر و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است. لغو هر نوع محدودیت بر حق سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل، در داخل و خارج کشور، به میل و اراده خود. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت را مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسائل نقلیه عمومی. آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح. ممنوعیت استفاده از عناوینی نظیر دوشیزه، بانو، خواهر و هر لقبی که زن را به اعتبار موقعیتش در قبال مرد تعریف میکند، در مکاتبات و مکالمات رسمی توسط مقامات و

نهادهای و بنگاه های دولتی و خصوصی. ممنوعیت هر نوع دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان یا نهادهای و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی زنان. ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه، پدرسالارانه و نابرابر با زنان در نهادها و موسسات اجتماعی. ممنوعیت قید جنسیت در آگهی های شغلی. حذف کلیه اشارات تبعیض آمیز و تحقیر آمیز نسبت به زنان از کتب و منابع درسی و متقابل گنجانیدن مواد درسی لازم برای تفهیم برابری زن و مرد و نقد اشکال مختلف ستمکشی زن در جامعه. ایجاد نهادهای بازرسی، تشخیص جرم و واحدهای انتظامی ویژه برخورد به موارد آزار و تبعیض نسبت به زنان.

۹- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس، لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

۱۰- تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذیربط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه. تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی معطوف به کسب و تثبیت برابری زن و مرد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری بمحض کسب قدرت این حقوق را بعنوان قوانین رسمی کشور اعلام خواهد کرد.\*

## پیام سازمان آزادی زن به مناسبت ۸ مارس ۱۳۹۰

۸ مارس روز زن در راه است. روز اعتراض زنان و مردان آزادیخواه بر علیه تبعیض و نابرابری. روزی که در سراسر جهان، پیشروترین بخشهای جامعه تلاشی دوباره برای دستیابی به آزادی و برابری زن سازمان میدهند. به همگان موقعیت فرودست زن را یاد آوری میکنند و اعتراض علیه این وضعیت غیر انسانی را دوچندان میکنند. سازمان آزادی زن پرچمدار این جنبش و این تلاش انسانی برای آزادی بی قید و شرط زن و برابری کامل زن و مرد است.

امسال در شرایطی به استقبال ۸ مارس میرویم که از یک طرف فقر و تهیدستی مردم زحمتکش چند برابر شده و از طرف دیگر محاصره اقتصادی و خطر یک حمله نظامی به ایران زندگی مردم را بیش از پیش در تنگنا قرار داده است و حکومت ترور و سرکوب اسلامی می کوشد، در مقابل جنبش سرنوینی مردم سد ارباب و سرکوب را محکم کند. بیکاری، تنگدستی و ناامنی اجتماعی در جامعه ایران بیداد میکند و سهم زنان در این میان فقر و ناامنی بیش از پیش است.

### زنان و مردان آزادیخواه!

همه ما از این رژیم منزجریم. از این شرایط فقر و فلاکت، سرکوب و بیحقوقی جانمان به لب رسیده است. و اکنون تحت تحریم اقتصادی و تهدید جنگ زندگی مان سخت تر و ناامن تر شده است. جنگی که تهدید آنرا بالای سر ما قرار داده اند، بخشی از تخاصمات و جنگ میان دو قطب تروریستی، تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی است. تنها راه مقابله با این تهدید و جنگ خانمان برانداز، تنها راهی از این شرایط مشقت بار و از این بیحقوقی مقابله قاطعانه، متحد و متشکل با رژیم اسلامی است. تا زمانی که این رژیم در اریکه قدرت است، سرنوشت ما جز فقر و فلاکت، سرکوب و بیحقوقی نخواهد بود. راهی در دستان ما است. با ایجاد تشکلات خود، در محلات، در محل کار، در مدارس و دانشگاه، با تشکیل شوراهای خویش میتوانیم و باید تهاجمات این رژیم و تهدیدات تروریسم دولتی را عقب بنشانیم. راه دیگری نیست. رژیم اسلامی از مردم متشکل و متحد بشدت در هراس است.

۸ مارس روزی است که فریاد آزادیخواهی و برابری طلبی در سراسر جهان به صدا در می آید. ما نیز باید همراه بشریت آزادیخواه و برابری طلب، خواست خود را برای آزادی زن و برابری زن و مرد به جهانیان اعلام کنیم. در این روز باید نشان دهیم که این رژیم یک وصله ناجور به پیکر جامعه است و باید برود؛ نشان دهیم که ما وکیل و نماینده خود گمارده لازم نداریم. ما می خواهیم و می توانیم با جنبش خود به خواست هایمان، آزادی، برابری و رفاه دست یابیم. می توانیم یک دنیای بهتر را بر ویرانه های این رژیم سرکوب و جنایت، این نظام زن ستیز اسلامی بنیان گذاریم و بساط حجاب اسلامی، آپارتاید جنسی، زن ستیزی و مردسالاری را همراه این رژیم از جامعه جارو کنیم.

زنده باد آزادی زن

مرگ بر آپارتاید جنسی

سازمان آزادی زن

بهمن ۱۳۹۰ برابر با فوریه ۲۰۱۲



آنر ماجدی

## ایران: انقلاب زنانه، مصافی مهم علیه اسلام

می توان آنرا مدرنیسم خواند: تمایل به انتگره شدن در دنیای غرب، تمایل به برخورداری از آزادی ها و فضای آزادتر، غیر سنتی تر و مدرن تری که در دنیای غرب حاکم بود، گرایش به فرهنگ غربی. آزادی زن و مقابله با سنت های اسلامی و شرق زده ضد زن یک وجه مهم این مدرنیسم بود. اما این مدرنیسم در اذهان جامعه به شکلی عوامانه با ایدئولوژی رژیم حاکم تداعی شده بود و از این رو مخالفین سیاسی رژیم در تقابل با این مدرنیسم قرار می گرفت و سنت های عقب مانده اسلامی-ناسیونالیستی را آنچه که می توان "شرق زدگی" نامید، تقدیس می کرد. ضدیت "آل احمدی" با نظام سلطنت که از موضع عقب مانده نظام ارباب رعیتی پیشین، دهقان کنار جالیز خیار، نظام اندرونی-بیرونی و زنان مطیع خانه نشین نشات می گرفت و بیان می شد، به فرهنگ حاکم اپوزیسیون ضد سلطنت از راست تا بخش عمده چپ بدل شد.

### چرا عوامانه؟

رژیم حاکم یک دیکتاتوری مطلق بود و لذا هیچگونه سختی با آزادی های سیاسی و اجتماعی نداشت. ایدئولوژی این نظام، نه "مدرنیسم غربی" بلکه ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی بود. زن ستیزی یکی از مشخصه های مهم این ناسیونالیسم است. در سنن و تاریخ عظمت طلب ایرانی هیچگونه رد پای آزادی زن و برابری زن و مرد قابل رویت نیست. بعلاوه، رژیم سلطنت در یک پیمان و پیوند جدایی ناپذیر با اسلام و نهاد مذهبی بود. تنها بروزات مدرنیسم اجتماعی که از نتایج بلافصل حاکمیت نظام سرمایه داری است، گسترش امکانات تحصیلی برای دختران و زنان بود. تا آنجا که به اشتغال زنان

این روز آغاز یک دوره کوتاه از عقب نشینی رژیم در مقابل جنبش حقوق زن بود. تحمیل اولین عقب نشینی و تعرض توده ای به رژیم توسط جنبش حقوق زن انجام گرفت. یکی از خصوصیات این اعتراض توده ای، مشخصه ای که بویژه در دهه 80 و 90 میلادی اهمیت اش بارز میشود، اعلام این شعار است که "حقوق زن نه شرقی، نه غربی، جهانی است".

تاکید بر جهانی بودن یا جهانشمول بودن حقوق و آزادی زن در آن مقطع بعنوان یک واکنش سیاسی در مقابل حملات ایدئولوژیک - سیاسی اسلامیت ها اتخاذ شد. یک مشخصه این شعار بعنوان عکس العملی به تعرضات ارتجاعی اسلامیت ها به فرهنگ غربی و جنبش کمونیستی بود. بویژه آنکه در آن مقطع پوپولیسم شکل غالب جنبش چپ در ایران بود که به میزان زیادی "شرق زده" و تحت تاثیر افکار و اخلاقیات آل احمدی بود. چپی که بعضا مبارزه ضد امپریالیستی را با مبارزه با فرهنگ غربی یکی می گرفت و صریحا اعلام میکرد که با فرهنگ امپریالیستی مبارزه می کند. از آنجا که فعالین جنبش زن و تقریبا تمام سازمان های زنان متعلق به چپ بود، این خصلت جنبش چپ به یک مانع بزرگ برای سازماندهی یک جنبش وسیع و میلیتانت زنان بدل شد.

### مدرنیسم یا شرق زدگی؟

جامعه ایران در آن دوران با دو گرایش متضاد دست به گریبان بود. یکی، گرایشی که

جنبش آزادی زن فراز و نشیب های بسیاری را در سی و دو سال اخیر پشت سر گذاشته است. در متن آنچه به انقلاب 57 معروف شد نطفه های یک جنبش نوین آزادی زن شکل گرفت. با تضعیف سیستم دیکتاتوری و اختناق سلطنتی محافل و سازمان های زنان بوجود آمد. این محافل و سازمان ها توسط زنان چپ ایجاد شدند. در دوران انقلابی همراه با عروج جریان اسلامیستی به رهبری جنبش سیاسی ضد رژیم سلطنت، البته با کمک و طرح و نقشه دولت های غربی در هراس از عروج چپ و کمونیسم در ایران نگرانی و اضطراب از آینده شرایط زنان در جامعه تحت حاکمیت اسلامیت ها بشکل زمزمه در جامعه جاری شد. لیکن یک توهم پوپولیستی همه با هم، "بحث بعد از مرگ شاه" و "وحدت کلمه" به این زمزمه ها اجازه تبدیل شدن به یک صدای رسا و یک جنبش گسترده حقوق زن نداد.

8 مارس 1979 برابر با 17 اسفند 1357 یک روز تعیین کننده در تولد جنبش نوین حقوق زن در ایران است. روزی که یک ابراز توده ای از مقاومت، از اعتراض و از حق طلبی در جامعه عیان شد و رژیم تازه بقدرت رسیده زن ستیز اسلامی را به مصاف طلبید. این روز نه فقط در تاریخ جنبش آزادی زن در ایران، جنبش عمومی سیاسی - اجتماعی ایران، بلکه در تاریخ جنبش آزادی زن در سطح بین المللی نقش بسته است. روزی که زنان به حجاب نه گفتند. این حرکت زنان در ایران، عملا آنها را بعنوان پیشتاز جنبش اعتراضی زنان به قوانین و ایدئولوژی اسلامی در سطح بین المللی قرار داد.

مربوط می شود، آمار اشتغال زنان بسیار پایین بود. قوانین خانواده و مناسبات میان زن و مرد طبق قوانین شرعی اسلام فرموله می شد. محمد رضا پهلوی که ظاهرا نماینده این "مدرنیسم" از دید اپوزیسیون بود، در مصاحبه ای با اورپانا فالاچی دیدگاه بسیار عقب مانده و مردسالار خویش را برملا می کند.

با در نظر گرفتن تضاد و تنش میان این دو گرایش، مدرنیست و شرق زده، شعار "آزادی زن نه شرقی، نه غربی، جهانی است" یک شعار دفاعی در مقابل هجوم اسلامیت ها و فرهنگ حاکم بر چپ پوپولیست است. این شعار اگر در ابتدا خصلتی دفاعی در مقابل فرهنگ و سیاست حاکم در جامعه ایران داشت، در دهه 80 و 90 میلادی اهمیتی بین المللی یافت. دست بالا پیدا کردن تزی نسبت فرهنگ یک هجوم مهم ایدئولوژیک به آزادیخواهی و برابری طلبی و به جنبش آزادی زن در سطح بین المللی بود که توسط آکادمیا و رسانه ها به پیش برده شد.

### نسبیت فرهنگی مقابله با تبعیض یا توجیه آن؟

نسبیت فرهنگی یک تزی ارتجاعی و راسیستی است زیرا عملا دو دسته حقوق و ارزش های اجتماعی، اخلاقی و حقوقی را برای شهروندان تبلیغ و تائید می کند. این تزی که از محصولات جانبی عروج دیدگاه پست مدرنیستی پس از سقوط بلوک شرق است،

## ایران: انقلاب زنانه، مصافی مهم علیه اسلام...

هر نوع عقب ماندگی، سرکوب، تحدید آزادی، اعمال تبعیض را بر مبنای یک پدیده کاملاً اختیاری، یعنی فرهنگ، توجیه و تشویق می کند. اصول و معیارهای پیشرفت سیاسی - اجتماعی، عدالت طلبی، آزادیخواهی و برابری طلبی بشری را پوچ و بی پایه می نامد. سنگسار یا مثله جنسی دختران، پدیده هایی که بشریت آزادیخواه، جنبش آزادی زن و جنبش سوسیالیستی علیه آن مبارزه کرده و به سنت هایی عتیق بدل کرده بود، به روش هایی قابل قبول و دفاع بدل می شوند! چرا؟ "چون مذهب یا فرهنگ عده ای آنرا تجویز می کند." به همین سادگی. عروج تز نسبیّت فرهنگی و دیدگاه پست مدرنیستی فعالیت جنبش آزادی زن علیه سنن، فرهنگ و رژیم های ارتجاعی را با موانع جدی مواجه ساخت.

### تولد جنبش نوین آزادی زن

تولد رژیم اسلامی و فاز نوین جنبش حقوق زن در ایران همزمان بود. این دو پدیده همچون تز و آنتی تز یکدیگر متولد شدند. یک تنش و کشمکش دائمی و بلاانقطاع میان آنها جریان داشته است. گسترش و شکوفایی یکی مستلزم شکست و درهم پاشیده شدن دیگری است. از این رو است که رژیم اسلامی هرگاه قصد محکم کردن بندهای اختناق بر جامعه را داشته و دارد، هرگاه میخواهد جامعه را به سکوت و عقب بکشانند، هرگاه میخواهد گلوی جامعه را تنگ تر بفشارد، به زنان حمله میکند، حجاب و "عفاف" را علم میکند و دار و دسته های اوباش عفاف را به جان زنان و مردم می اندازد. حجاب اختناق بر جامعه با حجاب اسلامی بر زنان تحکیم و تثبیت میشود. یک جدال آشتی ناپذیر،

یک شکاف پر نشدنی میان آزادی زن و رژیم اسلامی، میان جنبش حقوق زن با جمهوری اسلامی و جنبش اسلامیستی، میان آزادی زن با اسلام موجود است.

جنبش حقوق زن پس از شبه کودتای خونین 30 خرداد 1360 و آغاز نسل کشی در زندان های مخوف رژیم به محاق رفت. اما مقاومت منفی، مقاومت فردی زنان هیچگاه خاموش نشد. زنان متعددی که شلاق خوردند، زنانی که سنگسار شدند و در زندان ها افتادند، حتی زنانی که با خودکشی "نه" خود را به مناسبات مردسالارانه و زن ستیز اعلام کردند، سرپازان گمنام جنبش آزادی زن هستند.

### تضاد نسلی

یک فاکتور اساسی در شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه و جنبش آزادی زن تضاد نسلی موجود در جامعه است. نسل جدیدی که تحت رژیم اسلامی بدنیا آمده و رشد کرده است، نسلی که خاطره دست اول و زنده ای از نسل کشی دهه 60، از شکنجه های وحشیانه، از زنده بگور شدن انسان ها در گورهای دستجمعی ندارد، نگرشی متفاوت به شرایط دارا است. این نسل میخواهد مثل تمام جوانان دنیا زندگی کند. مدرن است، سکولار است، خواهان همراه و همگام شدن با دنیای قرن بیست و یک است. این نسل با رژیم اسلامی دارای یک تضاد آشتی ناپذیر است. زندگی تحت یک رژیم اسلامی یا مذهبی را نمیخواهد و در حال دفع آنست.

این نسل ضد آپارتاید جنسی، ضد حجاب و محدودیت های اسلامی است. آزادی جنسی علیرغم مجازات سنگینی که دارا است، در میان این نسل گسترده است. ارقام بالای سقط جنین، علیرغم غیرقانونی بودن، خطرناک بودن و مجازات سنگینی که حکومت برای آن در نظر گرفته است، یکی از شواهد این پدیده است. عصبان علیه سنت و قیود و بندهای سنتی و مذهبی وسیع است. این فاکتور نیز به قدرت و جان سختی جنبش حقوق زن میافزاید. این تضاد نسلی یکی از خصلت های اساسی جنبش حقوق زن است.

جنبش آزادی زن با جنبش های اجتماعی دیگری که در جامعه ایران عروج کرده اند، جنبش سکولار، خلاصی فرهنگی و مذهب زدایی در پیوند و انطباق کامل قرار دارد. در بسیاری موارد فعالین این جنبش های یکی هستند. علت بسیار روشن است، آزادی زن رابطه نزدیک و مستقیمی با مذهب زدایی، سکولاریسم در سطح حکومتی و جنبش خلاصی فرهنگی از سنن و قیود عقب مانده دارد. این واقعیت، جایگاه بسیار مهم و تعیین کننده ای به جنبش آزادی زن در ایجاد تحولات پایه ای در جامعه و استقرار یک نظام آزاد و برابر می دهد. بویژه از این رو که رژیم اسلامی و جنبش اسلامیستی هویت ایدئولوژیک خویش را با زن ستیزی تعریف می کنند و حجاب اسلامی را به بیرق جنبش خود و آپارتاید جنسی را به یک اصل خدشه ناپذیر نظام سیاسی - اجتماعی خود بدل کرده اند، جایگاه جنبش آزادی زن در تقابل با این نظام و جنبش بسیار کلیدی و تعیین کننده می شود.

### جنبش آزادی زن یک جنبش سیاسی است

جنبش حقوق زن بعنوان یک جنبش اجتماعی وسیع در عمق جامعه نفوذ کرده است. این جنبش، ماهیتاً سیاسی است. هر نوع تحول و اصلاحی در وضعیت زنان به مقابله

جدی با رژیم اسلامی گره می خورد و حکومت اسلامی در مقابل هر بهبودی حتی ناچیز در موقعیت زنان یک سد محکم سیاسی - ایدئولوژیک ایجاد کرده است. ایران جامعه ای است که لاک ناخن، ماتیک و چکمه در آن به یک امر سیاسی مهم بدل شده است و خلافاً با مجازات سنگین مواجه میشود. جنبش حقوق زن برای رسیدن به خواست های خویش مجبور به درگیر شدن با رژیم اسلامی است. یک شرط لازم دستیابی به آزادی زن سرنگونی این رژیم است. در چنین شرایطی این ادعا که جنبش حقوق زن یک جنبش غیرسیاسی است، یک ادعای پوچ است که یا بعنوان پوششی برای ممانعت از سرکوب پلیسی از آن استفاده میشود و یا تلاشی مذبوحانه از جانب برخی گرایشات درون جنبش حقوق زن است بمنظور تحدید افق و خواست های این جنبش و اسیر کردن آن در چهارچوب نظام اسلامی.

### گرایشات مختلف جنبش حقوق زن

جنبش حقوق زن دارای گرایشات متفاوت است. در راست، جریانات ملی - اسلامی که به فمینیست های اسلامی معروف شده اند، قرار دارند. گرایشی دفاعی که تلاشش در وهله اول نه دفاع از حقوق زن، بلکه حفظ جنبش زن در چهارچوب محدودیت های اسلامی و رژیم اسلامی است. بیک معنا این گرایش ستون پنجم رژیم اسلامی درون جنبش حقوق زن است. اینها به یمن برخورداری از آزادی نسبی در داخل و استقبال گرم رسانه های وابسته به دولت های غربی، چهره هایشان به افراد سرشناس بدل شده اند و امکانات وسیعی چه در ایران و چه در سطحی بین المللی دارا هستند. اینها حکم اپوزیسیون درباری و "مجاز" رژیم را دارند. تمام

## ایران: انقلاب زنانه،

## مصافی مهم علیه اسلام...

هم و غم این گرایش حفظ رژیم اسلامی، حال با یک سری اصلاحات ناچیز است.

در چپ، گرایش رادیکال است که خواهان آزادی بی قید و شرط زنان و برابری واقعی و اجتماعی آنها است. این گرایش را من جنبش آزادی زن می نامم. جنبشی که برای آزادی کامل و برابری واقعی مبارزه میکند. این گرایش کاملا سکولار است. از آنرو که تمام مذاهب زن ستیز اند و لاجرم یک رژیم مذهبی بنا بتعریف زن ستیز است، لذا جدایی مذهب از دولت یک پیش شرط سیاسی آزادی زن است. این گرایش بناگزی چپ است و برای تغییرات پایه ای و بنیادی در مناسبات جامعه مبارزه می کند. زیرا آزادی کامل و بدون قید و شرط و برابری واقعی و اجتماعی تحت مناسبات سرمایه دارانه قابل دستیابی نیست و لاجرم همراه یا بدنبال سرنگونی رژیم اسلامی باید واژگونی نظام سرمایه داری نیز عملی گردد.

یک سوال در اینجا مطرح میشود: آیا این گرایشات کاملا متمایز و تعریف شده اند و به اسم خود حرف میزنند و خواست های خود را مطرح می کنند؟ گرایش اول، یعنی ملی - اسلامی کما بیش چنین است. زیرا با مبانی رژیم اسلامی تضادی ندارد و صرفا از گرایش اصلاح طلب حکومتی و اصلاحات ناچیز در چهارچوب نظام اسلامی دفاع می کند. و لذا شلاق اختناق و سانسور آنچنان شامل آن نمی شود.

اما گرایش دوم، گرایش رادیکال، خیر. امکان ندارد که صریح و روشن خواست های خود را بیان کند. این نتیجه اجتناب ناپذیر

حاکمیت یک دیکتاتوری خشن است. لذا اگر در تحلیل و تبیین مناسبات سیاسی - اجتماعی جامعه صرفا به گفته ها و نظراتی که علنا ابراز می شود، توجه شود و ترند های پایه ای تر زیر سطح مسائل در نظر گرفته نشود، ما به یک تحلیل سطحی و صورت ظاهری میرسیم. عموم تحلیل های ژورنالیستی و جامعه شناسانه از جامعه ایران اینگونه سراغ مسائل می روند. لذا اینگونه تحلیل ها خواست های زنان در ایران را بسیار محدود جلوه می دهند. بنا به این تحلیل ها "زنان در ایران خواهان سرنگونی رژیم نیستند و به برخی اصلاحات ناچیز راضی اند." این تصویر کاملا با تصویری که اصلاح طلبان حکومتی می کوشند از جامعه ایران ارائه دهند، تطابق دارد.

از این تحلیلگران باید پرسید: آیا زنان فقط یک روسری نازک تر میخواهند، یا فقط علیه حجاب اجباری اند؟ این نسل عصیان، نسل استقامت و جسارت خواست ها و مطالباتش بسیار فراتر می رود. مرزهای رژیم اسلامی را کاملا در می نوردد. "نه" آنها به رژیم اسلامی، به نظام زن ستیز و مردسالار، به تبعیض و اختناق کاملا روشن و صریح و شفاف است. آزادی و برابری چکیده خواست آنها است. خواست هایی که نه با رژیم اسلامی و نه با رژیم از نوع رژیم سابق خوانایی و سنخیت ندارد.

**زنان در خیزش توده ای اخیر**  
نقشی که زنان و جنبش آزادی زن در خیزش اخیر بازی کرده

اند، حیرت و تحسین تمام جهانیان را برانگیخته است. زنان با جسارت بی نظیر بعضا پیشاپیش جنبش مردم حرکت می کنند. بعضا در نقش رهبری آن ظاهر میشوند. این جنبش با تمام آزادیخواهی، برابری طلبی، سکولاریسم، مدرنیسم و پیشروی اش علیه رژیم اسلامی مبارزه می کند. این یک نکته مهم و برجسته است. این فقط زنان نیستند که بقول جمله مردسالارانه ی معروف "دوش بدوش مردان" مبارزه می کنند. این جنبش آزادی زن است که یک جایگاه رفیع و برجسته در جنبش سرنگونی طلبانه مردم دارد. تاکید بر این امر مهم است.

لحظات مهمی در تاریخ معاصر و مدرن وجود دارد، که "زنان دوش بدوش مردان" برای یک امر سیاسی مبارزه کرده اند و پس از پایان آن جنبش معین به گوشه آشپزخانه فرستاده شده اند؛ بطور نمونه مبارزات ضد استعماری که یک نمونه برجسته آن الجزایر است، یا جنبش هایی که برای آزادی و برابری و عدالت مبارزه کرده اند، مثل انقلاب 57؛ در تمام این موارد، زنان وسیعا در تحولات سیاسی و خیزش ها شرکت فعال داشتند، اما پس از فیصله یافتن جنبش، زنان از پیش نیز بیحقوق تر شدند. این بار اما زنان نه فقط بعنوان زن بلکه بعنوان یک فعال جنبش عمیق و وسیع اجتماعی آزادی زن، سکولاریسم و خلاصی فرهنگی علیه رژیم اسلامی می جنگند. یک خصلت قابل توجه جنبش آزادیخواهی در ایران این واقعیت است که فقط زنان نیستند که برای آزادی زن مبارزه می کنند، بلکه مردان زیادی نیز در این جنبش سهیم اند.

از این رو است که بنظر من توصیف انقلاب آتی در ایران بعنوان یک "انقلاب زنانه"، توصیفی که منصور حکمت در سال 2000 در انجمن مارکس لندن، در سمیناری تحت عنوان "آیا کمونیسم در ایران امکانپذیر است؟" مورد استفاده قرار داد، بسیار گویا و

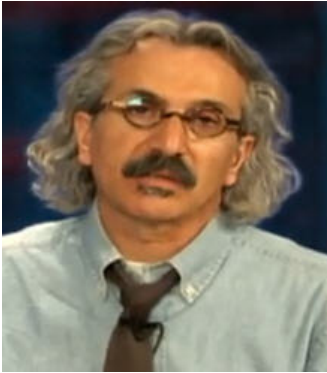
وصف حال است. این عبارت به عنصر برجسته جنبش آزادی زن و خواست آزادی زن، در جنبش سرنگونی طلبانه مردم اشاره دارد. این جنبش در عین حال بنظر من همپراز جنبش های مهم بین المللی در طول تاریخ برای حقوق و آزادی زن است. بطور نمونه جنبش سافریتیست، جنبش آزادی زن در انقلاب اکبر و پس از آن در روسیه و شوروی که دستاوردهای بسیار مهمی داشت و جنبش آزادی زن در دهه 60 و 70 میلادی در غرب که به انقلاب جنسی معروف شده است.

آزادی زنان در ایران از سلطه رژیم اسلامی، در عین حال تاثیر بسیار مهمی در کل منطقه دارد. تمام دنیایی که تحت اسلام قرار دارد، با سرنگونی رژیم اسلامی در ایران نسیم آزادی را احساس خواهد کرد. در این منطقه اختناق زده درچه ای بسوی آزادی جنسی، برابری جنسیتی و سکولاریسم باز خواهد شد. سرنگونی رژیم اسلامی و پیروزی جنبش آزادی زن در ایران یک ضربه مهم به اسلام است.

جنبش سرنگونی طلبانه مردم در ایران بهمراه جنبش آزادی زن، با سرنگونی رژیم اسلامی جنبش تروریستی اسلامیستی را نیز حاشیه ای میکند و با اسلام همان کاری را میکند که انقلاب 1789 فرانسه با مسیحیت و کلیسا کرد.







## در حاشیه پلاتفرم حزب در قبال جنگ تروریستها

(۲)

گفتگو با علی جوادی

**یک دنیای بهتر:** در پلاتفرم تأکیدی بر چگونگی و نقش حزب و جنبش کمونیسم کارگری در اعتراضات علیه جنگ شده است. قید شده است که: "ما با اعتماد به نفس به جامعه جهانی اعلام میکنیم که ما صدای کارگر و کمونیسم و آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران هستیم. ما فریاد مردم منجر از جنگ و تروریسم در ایران هستیم. ما بخشی از اردوی بشریت متمدن و ۹۹ در صد علیه اقلیت استثمارگر ۱ درصد در ایران هستیم." تأکید بر این مساله چه ویژگی در سیاست حزب و جنبش ما در این شرایط میتواند داشته باشد؟ چرا این تأکیدات؟

**علی جوادی:** این تأکیدات بیانگر جایگاه مستقل و متمایز حضور ما در اعتراضات ضد جنگ است. حضور ما در جنبش ضد جنگ صرفاً حضوری از موضع تقابل با جنگ دو قطب تروریستی نیست. ما جریانی هستیم که در عین حال درگیر جدالی چندین ساله بر علیه رژیم اسلامی هستیم. هدف ما صرفاً پایان دادن به جنگ خونین دو قطب تروریستی نیست. ما خواهان پایان دادن به این جنگ هستیم، اما نه از موضع "حفظ وضع موجود" بلکه از زاویه نیرویی که خواهان سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی است. مدعی قدرت سیاسی در ایران است. خواهان نابودی رژیم اسلامی و برپایی رژیمی متضمن اراده آزاد و آراء مستقل و انقلابی توده های کارگر و زحمتکش در آن جامعه است. از این رو باید این موقعیت

صفحه ۱۰

عظیمی که در جنبش ضد جنگ عراق شرکت کردند، مدافع دیکتاتوری صدام و دستگاه سرکوبش نبودند، هیچ بخش این اعتراضات هم طرفدار رژیم آدمکشان اسلامی نیستند. حساب حضور و تحرک جریانات اسلامی آدمکش را باید از واقعیت وجودی توده های مردم معترض به جنگ جدا کرد. واقعیت این است که در غیاب پرچم جنبشی که از موضعی سوم، از موضع بشریت مترقی، علیه هر دو قطب این جدال قد علم کند، توده های مردم بعضاً و ناچاراً به سوی پرچمی کشیده میشوند که تحت لوای اعتراض علیه جنگ به میدان آمده است و موضع سومی را نمایندگی نمیکند. اما باید تأکید کرد که اکثریت عظیم توده های معترض علیه جنگ علیه هر دو سوی این جنگ و کشمکش هستند.

و بالاخره ما در جنبش ضد جنگ شرکت میکنیم چرا که این اعتراضات بیشترین امکان و شرایط را برای شکل دادن به گرایشی رادیکال و آزادیخواهانه در دفاع از خواست مردم در ایران برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی، گسترش بین المللی دفاع از آلترناتیوی متضمن آزادی، برابری و رفاه همگان در مقابل جریانات راست و ارتجاعی و همچنین تلاش برای درهم شکستن سیاست قلدری و میلیتاریستی تروریسم دولتی فراهم میکند. از این رو ما در این اعتراضات از موضعی مستقل و انتقادی شرکت میکنیم. ما علیه هر دو سوی این تقابل هستیم. این جنگ ادامه سیاست تقابل و کشمکش دو قطب تروریستی جهان معاصر است. از هر دو سو ارتجاعی است. باید به صفی سوم شکل داد. صفی از موضع بشریت مترقی و آزادیخواه.

مجربایی برای اعتراض به این جنگ خانمانسوز میدانند. و این جنبش پیش از آنکه با مولفه های خط سیاسی سنتی حاکم بر آن تداعی شود با اعتراضات توده ای مردم ضد جنگ علیه طرفین این جدال بیان میشود. ما در جنبش ضد جنگ شرکت میکنیم چرا که میخواهیم فعالانه حضور جریانات اسلامی و مدافع رژیم کثیف اسلامی را افشاء و طرد کنیم. شرکت ما در عین حال تلاشی برای جلوگیری از تحرک جریانات اسلامی و مدافعان بی شرم این رژیم در اعتراضات توده های مردم علیه جنگ است. ما اجازه نخواهیم داد تا این جریانات مرتجع و آدمکش جایی در این حرکت اعتراضی داشته باشند. ما در هر کجا کارنامه جنایت رژیم متبوعشان را برای توده های مردم آزادیخواه و برابری طلب برملا خواهیم کرد.

ما در جنبش ضد جنگ شرکت میکنیم اما در این پروسه نگاهمان به شکل دادن و سازماندهی به گرایشی رادیکال علیه هر دو قطب این جنگ است. واقعیت این است که توده های عظیم مردمی که تاکنون نیروی اجتماعی این اعتراضات بوده اند، الزاماً همسو و هم جهت با جریان رهبری سنتی این جنبش نیستند. از آن خط نمیگیرند و تحت رهبری آن به معنای واقعی قرار ندارند. این توده ها خسته و بیزار از جنگهایی هستند که ماشین جنگی آمریکا و ناتو تاکنون به جامعه تحمیل کرده است. باید توجه داشت همانطور که هیچ بخش قابل ملاحظه ای از توده های

**یک دنیای بهتر:** در زمینه سبک کار و تاکتیک عملی حزب در قبال جنبش ضد جنگ گفته شده است که: "ما در جنبش ضد جنگ فعالانه و بطور انتقادی شرکت میکنیم. ما هر گونه حضور جریانات اسلامپستی و یا تخفیف به جریانات اسلامی را قویا نقد و افشاء میکنیم. ما در عین حال تلاش میکنیم که به ائتلافهای سیاسی پیرامون خط استراتژیک خود شکل دهیم و آلترناتیوی رادیکال را در مقابله با جنگ تروریستها شکل دهیم. ما در هر شهر و کشوری باید بتوانیم به ائتلافی گسترده با جریانات رادیکال پیرامون شعارهای استراتژیک خود دست پیدا کنیم." چرا شرکت؟ چرا انتقادی؟ چه دلایلی موجب اتخاذ این سیاست شده است؟ چرا نباید کلاً به آلترناتیو دیگری بر مبنای چهارچوب عمومی سیاست حزب در صورت وقوع جنگ شکل داد؟

**علی جوادی:** ما در جنبش "ضد جنگ" فعالانه شرکت میکنیم. اما در عین حال با تمام قوا تأکید میکنیم که این جنگ دو قطب تروریستی است. دو قطبی که هر کدام کارنامه طولی در کشتار و آدمکشی و جنایت علیه بشریت دارند. جنگ دارای دو سو است و هر دو سوی این جنگ ارتجاعی و تروریستی است. شرکت ما در اعتراضات ضد جنگ به هیچوجه به معنای صحه گذاشتن و یا تأیید خط سنتی حاکم بر جنبش ضد جنگ نیست. بر عکس یک رکن شرکت ما نقد فعالانه سیاست حاکم بر این رهبری سنتی حاکم بر این اعتراضات است.

ما در جنبش ضد جنگ شرکت میکنیم چرا که توده های معترض بسیاری این اعتراضات را

## در حاشیه پلاتفرم حزب در قبال جنگ تروریستها ...

و جایگاه ویژه را به مردم معترض آگاهانه اعلام کرد. باید توجه شان را به این واقعیت جلب کرد که گزاشی در این اعتراضات وجود دارد که صدای مردم معترض و خسته و بیزار از رژیم اسلامی است. صدای مردمی است که بیش از سه دهه علیه رژیم اسلامی جنگیده است و بیشترین مصائب این جنگ ارتجاعی در صورت وقوع بر دوش آنها خراب خواهد شد. ما موظفیم به این مردم معترض اعلام کنیم که ما صدای آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران علیه جنگ و تروریسم هستیم. صدایی که در هر دم و بازدم خود بر علیه رژیم اسلامی جنگیده است و نماینده آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه است.

یک نکته مهم دیگر در این شرایط جنبش اکثریت ۹۹٪ علیه اقلیت استثمارگر در جامعه است. وجود این جنبش و فعالیت تانکونی آن ویژگی خاصی به تلاش ما در این دوره می بخشد. یکی از دستاوردهای این جنبش آن است که نشان داده است که اقلیت استثمارگر کاپیتالیست دشمن مردم کارگر و زحمتکش در هر گوشه ای از جهان است. برای فعالین این جنبش پذیرش اینکه رژیم اسلامی در ایران در عین حال نماینده همان یک درصد جامعه است مساله پیچیده ای نیست. و این واقعیت به اعتراضات توده های مردم بر علیه جنگ و ویژگی اجتماعی و سیاسی خاصی می بخشد که پیشبرد اهداف سیاسی ما را در این میدان بسیار آسان تر میکند. این ویژگی یعنی اعتراض به اقلیت استثمارگر یک درصد در جهان در عین حال مسیر طولانی برای اعتراض به هر دو سوی این تقابل باقی نمیگذارد. گره زدن

ادامه سیاستهایی هستند که تاکنون رژیم اسلامی علیه مردم ایران در طول حیات سیاه سی و سه ساله اش اعمال کرده است. و از این زاویه این جنگ و مصائب ناشی از آن تنها در امتداد یک جهاد ضد انسانی علیه توده های مردم زحمتکش در جامعه است.

این زاویه اعتراضی در اعتراض علیه جنگ دو قطب تروریستی به ما امکان میدهد که نه تنها ماهیت یکسان و ضد مردمی هر دو سوی این جدال را برای مردم افشا و برملا کنیم بلکه شرایطی ذهنی را فراهم میکند که ما را جریانات خجول و همسوی رژیم اسلامی و جریانات سبز و دنبالچه هایشان کاملاً متمایز میکند. به مقابله ما بر علیه تحریم اقتصادی و جنگ احتمالی ویژگی کاملاً متمایز و مستقلی از هر دو سوی این جدال می بخشد. این ویژگی سیاست تبلیغی ما در قبال جنگ در عین حال کاملاً تبلیغات جریانات مدافع جنگ و یا جریانات همسو با قطبهای تروریستی را افشاء و ماهیت ارتجاعی آنها را بر ملا میکند.

اجازه دهید که در پایان به این مساله اشاره کنم که تلاشهای ما در مقابله با جنگ در ایران ویژگی خاصی خواهد داشت. ما در ایران پایان جنگ را با پایان عمر سیاه رژیم اسلامی گره زده ایم. شعارهای ما در ایران بیانگر این ویژگی خواهد بود. ما تلاشمان در عین حال مستلزم تصرف قدرت سیاسی و سازماندهی حکومت متضمن اراده آزاد توده های مردم خواهد بود.

ما مقابله با جنگ را با تلاش برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی به پیش خواهیم برد.

در این زمینه در شماره های بعدی اشارات بیشتری باید کرد.

ادامه دارد...

## پلاتفرم ما در مقابله با جنگ تروریستها رنوس سیاست حزب در خارج کشور

**اهداف:** هدف ما تاثیر گذاری بر افکار عمومی و به میدان آوردن توده های مردم آزادیخواه در کشورهای غربی به مقابله با جنگ و کشمکش هر دو قطب تروریستی جهان معاصر است.

**شعارهای استراتژیک ما:** "مرگ بر جنگ تروریستها"، "نه به میلناریسم آمریکا - اسرائیل، مرگ بر جمهوری اسلامی"، "نه به حمله نظامی، نه به تحریم اقتصادی، نه به میلناریسم آمریکا - اسرائیل، نه به تروریسم اسلامی"، "نه به سلاحهای کشتار دسته جمعی در سراسر جهان"، "زنده باد آزادی، برابری، رفاه"

Down with the war of terrorists!

NO to US-Israeli militarism, Down with the Islamic Regime!

No to military attacks, No to economic sanctions, No to Islamic terrorism!

No to atomic weapons and weapons of mass destruction, world over!

Long live Freedom, Equality, Prosperity!

سیاست ما در خارج کشور دارای ارکان زیر است. ما علیه این جنگ تروریستی و ضد انسانی هستیم. ما خواهان در هم شکستن میلناریسم آمریکا، اسرائیل و ناتو هستیم. ما برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی تلاش میکنیم. ما هر گونه تحریم اقتصادی، حمله نظامی را اقدامی علیه زندگی مردم و سلاحی کشنده قلمداد میکنیم. ما خواهان برچیدن تمام سلاحهای کشتار دسته جمعی و عدم دستیابی هر نیرویی به سلاح کشتار دسته

## در حاشیه پلاتفرم حزب در قبال جنگ تروریستها ...

جمعی هستیم. ما مردم را به "صلح" تروریستها دعوت نمیکنیم برای سرنگونی تروریسم اسلامی و در هم شکستن قدر قدرتی و میلیتاریسم تروریسم دولتی تلاش میکنیم. سیاست ما حفظ وضع موجود نیست. ما برای آزادی و برابری و رفاه تلاش میکنیم.

**سیک کار:** ما در جنبش ضد جنگ فعالانه و بطور انتقادی شرکت میکنیم. ما هر گونه حضور جریانات اسلامیستی و یا تخفیف به جریانات اسلامی را قویا نقد و افشاء میکنیم. ما در عین حال تلاش میکنیم که به انتلافهای سیاسی پیرامون خط استراتژیک خود شکل دهیم و آلترناتیوی رادیکال را در مقابله با جنگ تروریستها شکل دهیم. ما در هر شهر و کشوری باید بتوانیم به انتلافی گسترده با جریانات رادیکال پیرامون شعارهای استراتژیک خود دست پیدا کنیم.

**ماتریال تبلیغی:** ما در جنبش ضد جنگ با شعارهای استراتژیک حزب خود و همچنین شعارهای ویژه این شرایط شرکت میکنیم.

**ویژگی سیاست تبلیغاتی ما:** ما با اعتماد به نفس به جامعه جهانی اعلام میکنیم که ما صدای کارگر و کمونیسم و آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران هستیم. ما فریاد مردم منزجر از جنگ و تروریسم در ایران هستیم. ما بخشی از اردوی بشریت متمدن و ۹۹ درصد در صد علیه اقلیت استثمارگر ۱ درصد در ایران هستیم.

**مقابله با سیاستهای ناسیونالیستی:** ما بطور همه جانبه کلیه نیروهای دست راستی پرو غربی که مدافع حمله نظامی و تحریم اقتصادی هستند، افشاء و ایزوله می کنیم. ما بطور فعالی سیاستهای دفاع طلبی ناسیونالیستی از رژیم اسلامی را عمیقا و بطور همه جانبه نقد میکنیم. نقد ما به سیاست تحریم اقتصادی و حمله نظامی در عین حال و در خود نقدی به "تحریم" و "حمله نظامی" سی و چند ساله رژیم اسلامی علیه توده های مردم زحمتکش است. از نقطه کارگر و آزادیخواهی رژیم اسلامی سی و سه سال است که مردم را "تحریم" کرده و به آنها "حمله نظامی" کرده است. ما تحریم اقتصادی آمریکا و اروپا و حمله نظامی را از این زاویه مورد انتقاد قرار میدهیم. ما نشان میدهیم که این اقدامات تلاشهای علیه توده های مردم کارگر و زحمتکش و علیرغم تخصیصشان، اقدامی از یک جنس است.

## ۸ مارس روز جهانی زن

روز پیوستن جنبش رهایی زن به صف مقدم جنبش ضد سرمایه داری و جنبش آزادیخواهی جهانی است!

امسال روز جهانی زن در فضایی برگزار میشود که میلیونها کارگر و ستم کش در دنیا اساس سرمایه داری و حکومتهای پارلمانی و دیکتاتوریهای عریان حافظ این نظام را به جدالهای مهیب کشانده اند. از یونان تا اسپانیا، از مصر تا سوریه خیزشهای توده ای کماکان در جریان است و تا همین جا ضربات محکمی به بنیادهای نظام عمیقا بحران زده سرمایه داری، دموکراسی و حکومتهای هار خودگمارده وارد کرده است. جنبش رهایی زن در متن این فرصت تاریخی میتواند و باید با قرار گرفتن در صف اول جنبش ضد فقر و جنبش آزادیخواهی نقش تعیین کننده ای را بازی کند. ۸ مارس روز جهانی زن امسال بر بستر این فرصت تاریخی میتواند به سمبل همبستگی بین المللی، سمبل میلانتیسم و سمبل ترقی خواهی بدل شود.

در این روز همچون بخشی از جنبش رهایی زنان در ایران باید به صف اعتراضات و اجتماعات روز جهانی زن در اقصی نقاط دنیا پیوست تا از یکطرف همبستگی جهانی جنبش زنان برای آزادی و برابری، جنبش جهانی برای رفاه و آزادی را تقویت کرد و از طرف دیگر تعرض به جمهوری ضد زن اسلامی در ایران را تقویت و تداوم بخشید.

در این روز یکبار دیگر در صفی متحد و باشکوه باید اعلام کرد بشریت به هیچ چیز کمتر از رفاه و آزادی، برابری زنان، کوتاه شدن دست مذهب از جامعه رضایت نمیدهد.

به اجتماع و راهپیمای روز جهانی زن در تورنتو بپیوندیم و همصدا با تمام زنان و مردان آزادیخواه جهان صف مبارزه برای یک دنیایی بهتر را تحکیم کنیم.

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن!

زنده باد آزادی و برابری!

زنده باد سوسیالیسم!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

زمان: شنبه ۳ مارس ۲۰۱۲ ساعت ۱۱ صبح

مکان: ۲۵۲ بلور استریت غربی (St. George Subway Station)

حزب اتحاد کمونیسم کارگری- تشکیلات کانادا

۲۸ فوریه ۲۰۱۲



## تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا

ضرورت یک جبهه جهانی علیه اسلام سیاسی

هما ارجمند

آنچه مردم در خاورمیانه و شمال آفریقا با آن رو در رو هستند فقط حکومت‌های دیکتاتوری ضد مردمی در منطقه نیست، بلکه با یک جنبش اسلامی که مدعی سهم خواهی از قدرت در سطح بین المللی است و ضدیت با آزادیخواهی و مدرنیسم مشخصه آن است هم روبرو هستند. این جنبش با تکیه به غرب توانسته در منطقه بسط و گسترش یابد و اولین وظیفه اش هم اینست که فعالین جنبش علیه فقر و دیکتاتوری را مورد هدف قرار دهد تا راحت تر بتواند بر جنبش توده ای علیه فقر و دیکتاتوری سوار شود. دستگیریهای وسیع مبارزین و پیشروان، دانشجویان و زنان، تجاوز جنسی و شکنجه دستگیر شدگان، رها کردن اجساد شکنجه شدگان با استخوانهای شکسته در میدانها و خیابانها، تنها بخشی از اعمال دد منشا نه جنبش اسلامی در مناطق خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است. حمله این جریانات به کارگر، چپ و جنبشهای مترقی در این منطقه خواست فوری سیاستمداران غربی است که به آن هم "ثبات در منطقه" می گویند.

**چه باید کرد؟**

ایجاد یک **جبهه جهانی** بر علیه جنبش سپاه اسلام سیاسی میرم و ضروری است. مستقل از این که در خود کشورهای اسلام زده و مثلا در تقابل با جمهوری اسلامی در ایران، چه جنبش قدرتمندی برای پس زدن و شکست اسلام سیاسی جاری است و به چه پیشرویهایی بزرگی تاکنون نائل آمده است، در سطح اروپا و آمریکای شمالی نیز باید جبهه علیه اسلام سیاسی را تقویت کرد. تاکنون کوششهای زیادی در این زمینه صورت گرفته و سازمانها،

کمپینها و تلاشهای سیاسی متعددی شکل گرفته است. مبارزه علیه اسلام سیاسی باید جزئی از مبارزه هر حزب جدی مترقی، کمونیست و سوسیالیست و کارگری، هر جریان مدافع حقوق زن، کودک و بطور کلی مدافع حقوق انسانی باشد. امروز هیچ جریانی، نمیتواند در مقابل تهاجم راست به حقوق کارگر، حقوق زن و اتحادیه های کارگری، بیمه بیکاری و بهداشت معترض باشد و در چند محله انطرف تر ایجاد دادگاههای اسلامی، گتوهای مذهبی و قومی، مدارس مذهبی، زنان برقع پوش و جداسازی کودکان دختر و پسر و حجاب کردن سر دختر بچه ها را نادیده بگیرد. به این معنی **امروز ایجاد این جبهه ضد دخالت مذهب در زندگی مردم، یک جبهه ضد اسلام سیاسی یک وظیفه عاجل همه است.** این وظیفه ماست که اجازه ندهیم آلترناتیوی از نوع جنبش سبز در منطقه بوجود آید.

بخشی از کار ما بعنوان مبارزین یک حزب سیاسی کمونیستی کارگری هم اکنون بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی است. کمپین بین المللی برای بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی یک سنگر از آن جبهه بین المللی علیه اسلام سیاسی است و باید اینگونه سنگرها را در همه جا و در زمینه های مختلف ایجاد کرد. اما صف مردم آزادیخواه و انساندوست راهی جز این ندارد که با تقویت نیروهایی از نوع ما بدنبال راه نجات واقعی بگردد. نیروهایی که هیچ

منفعتی جز تامین سعادت و زندگی درخور انسان ندارند و تمام تلاششان بر آن است که بطور رادیکال و انسانی ریشه همه ستم ها، ریشه همه نیروهای کور و ارتجاعی که انسان و حیات آن را به هیچ میگیرند را بشکند. کمپین بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی صفی از آن نیروی اجتماعی است که در این راه مبارزه میکند و از این رو مراجعه وسیع مردم در برهه های از این نوع کاملاً قابل انتظار به حق است. این تلاش در راستای مبارزه برای آزادی و برابری و سکولاریسم در ایران است. این يك خواست پایه ای مردم بخصوص پس از تحکیم حاکمیت اسلامی در ایران، یعنی سرکوب انقلاب توسط جمهوری اسلامی به سرکردگی خمینی، بوده است. یک نگاه ساده به این سالها نشان میدهد که این تلاش تنها در سطح امیال و اشتیاق توده مردم باقی نماند و یا محدود به تمایلات قشر روشنفکر ناراضی و تحصیل کرده نشد. بلکه حول این خواست **جنبشی** شکل گرفت که از یکطرف خود را در تحرك احزاب و سازمانهای اجتماعی و پلانتمهای آنان منعکس کرد و از طرف دیگر خود را در جدال هر روزه زنان، جوانان و کارگران و اقشار محروم جامعه علیه ماشین عظیم سرکوب و کشتار نشان داد.

انقلاب ۵۷ و شرایط باز و موقت ناشی از آن هر چند کوتاه بود ولی وضعیتی را بوجود آورد که در صورت تداوم میتوانست خواست آزادی و برابری و جامعه ای سکولار را متحقق کند. مطالعه این مقطع تاریخی و نفس انقلاب بخوبی نشان میدهد که مردم در ایران تشنه آزادیهای سیاسی و پیشرفت و سکولاریسم هستند. اما جمهوری اسلامی با همکاری وسیع دولتهای

غربی از وحشت چپ سر کار آورده شد تا این روند را با آتش و خون قیچی کند. وظیفه نیمه کاره رژیم شاه جهت متوقف کردن ماشین انقلاب به خمینی سپرده شد. اما او و تمام لیبرالها، ملی و مذهبیون که امروز خود را طرفدار سکولاریسم و دموکراسی میخوانند، میدانستند که نمیتوان انقلاب را با همان سلاحهای محمد رضا شاه سرکوب کرد. بلکه يك دستگاه و سلاح ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی جدیدی نیاز بود. دیگر نمیشد بروی عظمت ایران و ناسیونالیسم کوبید و از آمریکا و فرهنگ غربی طرفداری کرد و یا به دستگاه ساواک و شهربانی و ارتش متکی بود و مردم را به خانه فرستاد و انتظارات و توقعاتشان را پایین آورد و سرکوب کرد. از این رو میبینید که يك رژیم کاملاً مذهبی بر اساس ایدئولوژی اسلامی طی دو سال به همان کاری مبادرت میورزد که رژیم شاه میکرد با این تفاوت که همان حقوق محقر مدنی و شبه سکولاری که مردم از آن برخوردار بودند را هم زیر ضربات شلاق، زندان و اعدام از بین برد. از **مقطع تثبیت حاکمیت اسلامی مردم تنها با تداوم دیکتاتوری مواجه نبودند بلکه تلاش انقلابی شان برای استیفای حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی و يك جامعه آزاد و سکولار نیز مورد تاخت و تاز حاکمیت اسلامی قرار گرفت.**

این سرکوب تمایلات و خواستههای آزادیخواهانه و انقلابی توسط ضد انقلاب اسلامی، یکبار دیگر مسئله سکولاریسم و جدایی مذهب از دولت را به مسئله مهم مردم بدل کرد و به این معنی جبهه جدیدی در سیاست



## تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا ضرورت یک جبهه جهانی علیه اسلام سیاسی ...

ایران گشوده شد. جبهه ای که هر چند از نظر تاریخی جدید نبود ولی از ویژه گیهای برخوردار بود که آن را از دورانهای گذشته متمایز میساخت. این بار جنبش برای آزادی و سکولاریسم از بطن جامعه و نیاز پایه ای مردم برای يك زندگی روزمره برخاسته بود. تصور باطلی است که در متن دنیای امروز، يك جامعه وسیع شهری و صنعتی با فشر عظیمی از مردم آگاه و انقلاب کرده و جمعیتی که بخش عظیمش جوان است، با سکولاریسم ضدیت داشته باشد و یا مردم در مخالفت با آن پرچم اسلام را بلند کرده باشند! واقعیت اینست که نمیتوان توقع مردم را از متن جهانی و زندگی معمولی مردم در دنیای امروز قیچی کرد بدون اینکه با مقاومت گسترده و همه جانبه توده اهالی آن کشور روبرو نشد.

از این رو تا آنجایی که به خواست آزادیها و حقوق فردی و اجتماعی و مدنی برمیگردد، مردم در ایران یکبار دیگر مصاف قدیمی یعنی جنگیدن با يك رژیم دیکتاتور و سرکوبگر را در مقابل خود داشتند و این تاریخا عرصه جدیدی نبود و سابقه خیلی وسیعتر و گسترده تری در این رابطه وجود داشت. اما تا آنجایی که به خواست يك زندگی آزاد و برابر و مدرن و سکولار برمیگشت، ابعاد مسئله به این گستردگی و در شکل يك مقابله همه جانبه با حاکمیت عرصه جدیدی بود. در دوران جمهوری اسلامی ما با يك تلاقی اجتماعی برای یک جامعه آزاد و حکومت غیر مذهبی و سکولار مواجهه بوده ایم. امری که به طرق مختلف و از درجه های گوناگون از کانال يك مبارزه سیاسی با حاکمیت جریان دارد. میخواهم بگویم چشم انداز سکولاریسم در

سردرگم و متفرق شده اند. اما در میان اپوزیسیون بورژوائی که ظاهرا بر سکولاریسم نیم بندی تاکید دارد، تلاش دارد مسئله تحقق یک جامعه سکولار را به یک دوره طولانی مبارزه فکری - فلسفی و چیزی از نوع رنسانس فکری و فرهنگی حواله دهد. اینها معتقدند دمکراسی مورد نظرشان طی دوره ای طولانی از این مسیر میگذرد. فرض این تز بر این اساس استوار است که جامعه را طالب آزادیهای سیاسی و مدنی و حقوق برابر نمیبیند بلکه جامعه ایران را يك جامعه عقبمانده و مذهبی میدانند و از این رو بیش از هر چیزی بر کار فرهنگی و آموزشی و یا حتی نقد فلسفی مذهب تاکید دارد. از دیدگاه سیاسی و تاریخی، این جریان همان قدر پرت و بیربط به جامعه است که اصلاح گران عقبمانده اسلامی و حکومتی. اینها یا چشماتشان را بر واقعیات جامعه ایران میندند و یا میخواهند به مذهب و دستگاه عظیم مذهبی فعلا خدشه ای وارد نشود و یا میخواهند جمهوری اسلامی البته با زدن یکسری لبه های تیزش کماکان بر سر کار باقی بماند.

اما واقعیتهای و نیاز جامعه و حرکت خود مردم خلاف این تئوریهها و سیاستها است. مردم ایران برای بقای روزمره در یک جامعه شهری و صنعتی ناچارند طوق مذهب را از مناسبات اجتماعی بدور افکنند. وضعیت کنونی تنها با حاکمیت ارتجاع اسلامی و فشار ممتد و سرکوب مستمر سرپا مانده است و به مجرد ترک برداشتن قدرت ارتجاع اسلامی همه ستونهای آن میریزد. باید ابله بود و تصور کرد که جامعه ای با يك فشر بزرگی از زنان تحصیل کرده و متوقع داشت و در عین حال از آنان خواست که از حقوق ابتدایی خود بگذرند و هر چه مردان خانواده امر میکنند عمل کنند! نمیتوان زنان در محیطهای صنعتی و خدماتی مشغول کار باشند و در عین حال به آنان بعنوان شهروند درجه دو برخورد کرد! نمیتوان در عصر اینترنت از جوانان خواست همچون يك طلبه

حوزه جبهه قم زندگی کنند و از نرمهای زندگی دنیای امروز برخورداران داشت! نمیتوان به کارگر و سوسیالیست و آزادیخواه آن جامعه گفت که آزادی نخواهید، برابری نخواهید، تشکل و حرمت و رفاه نخواهید، به محمد و علی و مناسبات قرون وسطی قناعت کنید! نمیشود، عملی نیست.

به دلیل وجود این خواستههای آزادیخواهانه و حتی ضد مذهبی است که در جامعه ایران با یک نخواستن عمیق حکومت اسلامی و یک تلاش مستمر و عظیم برای سرنگونی روبروئیم. تلاشی که در گام اول حکومت مذهبی را ملغی و آزادی و سکولاریسم را اعاده خواهد کرد. این تلاش و این تمایل چنان در هم تنیده شده اند که قبایل تفکیک نیستند. فصل مشترک جنبش آزادی زنان، جنبش مدرنیستی جوانان، اعتراضات رادیکال دانشجویی، جنبش کارگری، و جنبش مذهب زدایی امروز دقیقا بر سر این است که چگونه رژیم اسلامی را به زیر بکشند تا بتوانند برای تحقق آرمان دیرینه آزادی و برابری و یک جامعه مرفه و سکولار گام بردارند.

و اما تحولات اخیر و خیزش مردم در منطقه علیه فقر و بیدالتی و برکناری حکومتهای دیکتاتوری، تروریسم دولتی به سر کردگی آمریکا را به تکاپو انداخت تا هر طور شده از مبارزات مردم علیه سرمایه و کسب قدرت بدست خود جلوگیری کند. در این بن بست با جریانات اسلامی در پشت درهای بسته به مذاکره پرداخت و بار دیگر از وحشت عروج چپ، جنبش هار اسلامی را بجان مردم انداخت. این تلاشهای دولتهای سرمایه داری عملا صورت مسئله قدیمی ایران را منطقه ای میکند و تقابل با اسلام سیاسی و حتی خواست سکولاریسم را بیش از هر زمان به امر

## تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا

ضرورت یک جبهه جهانی علیه اسلام سیاسی ...

اردوی چپ و سوسیالیسم در منطقه تبدیل میکند. مردم محروم منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به میدان نیامند تا دیکتاتوریهایی نظامی را با دیکتاتوریهایی اسلامی و قوانین مشت آهنین را با قوانین شریعه عوض کنند. مردم آزادی و برابری و رفاه میخواهند. مردم علیه شکنجه، زندان، تبعض جنسی، نفی آزادیهای فردی و اجتماعی و کشتار دسته جمعی بپا خواستند. اولین درس این تحولات اینست که دموکراسی غربی امروز حتی سکولاریسم هم نمیخواهد تا چه رسد به آزادی و برابری. تحقق این امر و تمایلات دیرینه مردم در ایران و منطقه روی دوش کمونیستها و طبقه کارگر و امر انقلاب کارگری است.

Homa Arjomand

[homawpi@nosharia.com](mailto:homawpi@nosharia.com)[www.nosharia.com](http://www.nosharia.com)[www.closedowniranianembassies.com](http://www.closedowniranianembassies.com)

416-737-9500

## زنده باد ۸ مارس،

## روز جهانی زن!

در گرامیداشت مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان جهان، در همبستگی با مبارزه علیه آپارتاید جنسی حاکم بر ایران و خطر جنگ دو قطب تروریستی دولتی و اسلامی، صدای میلیونها انسان سرنگونی طلب در ایران باشیم.

سازمان آزادی زن از شما مردم آزادیخواه و برابری طلب، احزاب و سازمانهای انقلابی دعوت می کند تا در روز جهانی زن در کنار هم و در دفاع قاطعانه از 33 سال جنبش برابری طلبانه زنان ایران برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و استقرار آزادی و برابری و رفاه به خیابان بیاوریم.

زمان: پنج شنبه 8 مارس 2012، ساعت 16-18

مکان: مرکز شهر گوتنبرگ سوئد، برونز پارکن، جنب مجسمه یوهانا

برای اطلاعات و هماهنگی بیشتر با شماره تلفن شهلا نوری

تماس بگیرید. 0737262622

[www.azadizan.net](http://www.azadizan.net)

## علیه جمهوری اسلامی،

## علیه نمایش انتخابات متحدانه اعتراض کنیم!

میگویند "انتخابات" است! میگویند برای مجلس اسلامی "وکیل مردم" انتخاب میکنیم! میگویند مردم باید بیابند و رای بدهند و با رای شان نظام اسلامی را تقویت کنند! ما میگوئیم این "انتخابات" نیست، یک نمایش قدری و سرکوب اسلامی است. در کشوری که احزاب سیاسی ممنوع اند، سازمانهای کارگری ممنوع اند، حق تشکل وجود ندارد، ابراز نظر و عقیده سیاسی با اوین و کهریزگ جواب میگیرد، زن نصف مرد محسوب میشود، و کمونیستها و مخالفین سیاسی واجب القتل اند، انتخابات یک نمایش مضحک جنایتکاران حکومت اسلامی است. این حکومت حتی پاره های تن خمینی و قاتلین و شکنجه گران سابقه دارش را تحمل نمیکند، مردم و رای شان که جای خود دارند!

این حقایق را ما کمونیستها و انقلابیون سالهاست گفته ایم و امروز ظاهرا همه پذیرفته اند که نباید در این نمایش شرکت کرد. حتی آنهایی که تا دیروز مدافع سینه چاک "شرکت در انتخابات" بودند. اما همان مدافعان دیروز "شرکت در انتخابات جمهوری اسلامی" امروز با طرح "انتخابات آزاد" بمیدان آمده اند و وعده گذاشتن صندوق رای به ما میدهند. تفاوت اینست که دیروز قرار بود خامنه ای تضمین کننده "رای و انتخابات" باشد و امروز قرار است پنتاگون و ناتو و نهادهایی مانند مرکز اولاف پالمه!

ما میگوئیم این حکومت یک ذره مشروعیت ندارد. سرنگونی انقلابی کل جمهوری اسلامی پیش شرط هر ذره آزادی و گشایش سیاسی و رفاه اقتصادی است. از نظر ما خیلی بهتر است که هیچکسی در نمایش مضحک انتخاباتی رژیم اسلامی شرکت نکند. اما در وضعیت بحرانی کنونی، مسئله تنها عدم شرکت در انتخابات فرمایشی حکومت نیست، بلکه تلاش متمرکزتر برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی است. هدف امروز باید تلاش گسترده تر برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، تلاش برای شکل دادن به صفی آزادیخواه علیه جنگ تروریستها و سرمایه داران، تلاش برای بستن سفارتخانه های حکومت در خارج کشور، و تلاش برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی باشد.

شورا مردم آزادیخواه را دعوت میکند که متحدانه و گسترده در تظاهرات علیه حکومت اسلامی و علیه نمایش مضحک انتخاباتی اش شرکت کنید. وعده ما مقابل سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم با فریاد مرگ بر جنگ! مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد انقلاب برای آزادی و رفاه!

## زمان: دوم مارس ساعت 12

## مکان: مقابل سفارت جمهوری اسلامی

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم

۱۴ فوریه ۲۰۱۲

کارگر زندانی، زندانی سیاسی  
آزاد باید گردد!

## شکست جریان راست کوروش مدرسی

برگزاری مراسمی به نام "کنگره حزب حکمتیست" توسط جریان کوروش مدرسی بیش از هر چیز بیانگر شکست این جریان کودتاچی در تصرف حزب حکمتیست است. این سرنوشت اجتناب ناپذیر بود. گرایش راست و سازشکاری که تحت نام "حزب حکمتیست" فعالیت حزبی خود را آغاز کرده بود، جریانی که کوچکترین ربطی به خط انقلابی و رادیکال کمونیسم کارگری منصور حکمت نداشت، نمیتوانست سرنوشتی متفاوت از این داشته باشد. روشن بود که بالاخره کادرهایی در این حزب که منشاء فکری و سیاسی شان نه خط کوروش مدرسی در تمامی ابعاد آن، بلکه اساسا کمونیسم منصور حکمت است، در مقابل این خط قد علم کنند و با این جریان تسویه حساب کنند. نهایتا این جریان در "خانه" خود، شکست خورد و پس زده شد. این شکست را اکنون باید تا انتها برد و به یک شکست تمام و کمال سیاسی و تشکیلاتی تبدیل کرد.

خط کوروش مدرسی دارای مولفه های معین و تاریخ ویژه ای است. این جریان در متن شرایطی شکل گرفت که جریان راست در جامعه جان و تحرک جدیدی گرفته بود. آمریکا به عراق حمله کرده بود، اپوزیسیون محافظه کار پرو غربی با فریادهای "تانکیو بوش" خواهان اجرای پروژه خونین مشابهی در ایران بود. این شرایط در تزه های کوروش مدرسی با کلمات "راست دست بالا را دارد" بیان شد. "راست دست بالا را دارد"، فقط یک ارزیابی غیر واقعی از توازن قوا و موقعیت جنبشهای اجتماعی متفاوت در جامعه نبود. یک حلقه ضروری در طرح تزه های راست کوروش مدرسی بود. بر بستر این سیاست بود که کوروش مدرسی میتواند "شانس" داشته باشد تا توضیح دهد که چرا بجای تعرض

کمونیستی و رادیکال به جمهوری اسلامی، باید سیاست پاسیو و راست "نافرمانی مدنی" را در دستور قرار داد. "راست دست بالا را دارد" و از قرار مجاز است در "دولت حجابی" شرکت کرد. "راست دست بالا را دارد" لذا باید به جای طرح شعار و استراتژی تمام قدرت به شوراها و مردم و تلاش برای شکل دادن به ارگانه های اعمال حاکمیت توده های مردم، سیاست راست "مجلس موسسان" را طرح کرد. "راست دست بالا را دارد" نتیجتا راحت تر میتوان سیاست انقلاب تحولی "متمدانه" نیست را به یک حزب کمونیستی و رادیکال قالب کرد. "راست دست بالا را دارد" از این رو میتوان به طرح "منشور سرنگونی" که طرح "وحدت" با جریانات راست است، "مشروعیت" بخشید. "راست دست بالا را دارد" از این رو باید شعار استراتژیک "آزادی، برابری، حکومت کارگری" را به شعار "آزادی، برابری" تقلیل داد و حکومت کارگری را از آن کنار گذاشت.

اما زمانیکه این دوران بنا به حکم شرایط عینی تغییر کرد؛ آمریکا عملا در شکل دادن به "اهداف سیاسی" خود در عراق شکست خورد؛ حمله نظامی به ایران در آن زمان عملا از دستور هیات حاکمه آمریکا به کناری گذاشته شد و غرب به موقعیت گسترش یافته رژیم آدمکشان اسلامی در منطقه اذعان کرد؛ جمهوری اسلامی به عنوان یک نیروی منطقه ای شناخته شد. در این شرایط، این خط جنبه دیگری از جوهر وجودی خود را به نمایش گذاشت. در این دوران احمدی نژاد در راس دستگاه

ماشین آدمکشی رژیم اسلامی قرار گرفت. متعاقبا کوروش مدرسی با تز "رژیم اسلامی در حال متعارف شدن است" به میدان آمد و احمدی نژاد را به نماینده کل بورژوازی و نماینده ناسیونالیسم عظمت طلب و منافع عمومی و دراز مدت سرمایه در ایران ارتقاء داد. نزد این جریان، احمدی نژاد به نماینده "بورژوازی صنعتی" در ایران تبدیل شد. این خط، احمدی نژاد تیر خلاص زن را پرچمدار "متعارف" شدن حکومت اسلامی نامید. بدنبال این تحولات اعلام کرد که جنبش سرنگونی طلبی توده های مردم "شکست خورده است" و سپس اعلام کرد که به جهت حاشیه ای شدن "پروژه سرنگونی رژیم اسلامی" منشور راست سرنگونی کناری گذاشته میشود. وجه دیگر این تزه های ارتجاعی در ارزیابی از نقش و جایگاه طرح "حذف سوبسیدها"ی احمدی نژاد قابل مشاهده است. این گرایش از پهلو این طرح تماما ارتجاعی را مورد دفاع قرار میدهد.

یک مولفه دیگر "خط کوروش مدرسی" در سیاست این حزب در قبال خیزش توده های مردم در سال هشتاد و هشت بارز میشود. این جریان در این اوضاع سیاستی را در دستور گذاشت که تماما راست و پاسیفیستی بود. این گرایش مانند جریان اکثریت و توده ای ها کل اعتراضات مردم را به حساب جناحهای رژیم اسلامی گذاشت. اعلام کرد که اعتراضات در ایران تنها دو جناح دارد: دو جناح هیات حاکمه. کل این اعتراضات را به حساب جنبش ارتجاعی سبز گذاشتند و با تفرعن خاصی بر این ارزیابی

توده ایستی از اعتراضات جامعه پافشاری کردند و سیاست خانه نشینی و "مردم خر نشوید" را از ارگانه های تبلیغاتی شان تبلیغ کردند. واقعیت این است که پاسیفیسم این جریان در قبال خیزش توده های مردم تنها یک موضع پاسیفیستی در قبال تلاطمات جامعه نبود، گوشه ای از کنار گذاشتن پروژه سرنگونی رژیم اسلامی توسط گرایش کوروش مدرسی بود. در حقیقت گرایشی که سیاست سرنگونی رژیم را کنار گذاشته است بنا به تعریف نمیتوانست در تلاطمات جامعه که یک سرش برای سرنگونی رژیم است، نقشی ایفاء کند.

این جریان اکنون شکست قطعی خورده است. اما به آخر نرسیده است. میتواند در کنار محافل راست و حاشیه ای جامعه به بقای فرقه ای خود ادامه دهد، بمثابة خطی راست و شکست خورده و کودتاچی! حزب اتحاد کمونیسم کارگری در شکست سیاسی خط کوروش مدرسی سهیم است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری سوء استفاده این جریان از نام "حزب کمونیست کارگری - حکمتیست" را قویا محکوم میکند. این جریان نه مشروعیت تشکیلاتی در استفاده از این نام دارد و نه کوچکترین ربطی به کمونیسم منصور حکمت دارد.

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۸ فوریه ۲۰۱۲ - ۹ اسفند ۱۳۹۰

## آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میدانند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>  
[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)

## کارگران شرکت مشاورین قدس نیرو

دستمزدهای معوق!

فقط 20% دستمزدها قابل پرداخت است! این جواب "غفوری فر" مدیر شرکت مشاورین قدس نیرو به بیش از 1200 نفر کارگر معترض و به جان آمده است. 8 روز از پایان بهمن ماه گذشته، کارگران شرافتمند و زحمتکشی که جز فروش نیروی کارشان نه پس انداز و نه اندوخته ای دارند، در حالی که در جنبه گرانی و تورم و فقر روز افزون گرفتار آمده اند در انتظار دریافت دستمزدهای ناچیزشان هستند. اما خبری از پول و دستمزد نیست. سرانجام پس از چندین روز اعتراض و پیگیری عوامل کارفرما در مقابل اعتراضات کارگران مجبور به عقب نشینی شده و اعلام داشته اند به دلیل ناتوانی و بحران مالی فعلا قادر به پرداخت همه دستمزدهای بهمن ماه کارگران نبوده و روز یکشنبه فقط بطور متوسط 20% از دستمزدهای بهمن ماه را یعنی مبالغی بین 80 تا 100 هزار تومان را به حساب کارگران واریز نموده اند.

این در حالیست که غفوری فر و همه مدیران ارشد و پادوهای حکومت اسلامی علاوه بر درآمدهای چند میلیونی ماهیانه، علاوه بر همه دزدیهای آشکار و نهانشان، در این روزهای پایانی سال دستمزدهای ناچیز و نان شب خانواده های کارگری را در جهت دلالتی و معامله گری و کسب سودهای بیشتر به گروگان گرفته اند. از قرار و با توجه به شرایط و قراین موجود غفوری فر به همراه عواملش در نظر دارند در این روزهای پایانی سال تا آنجا که برایشان مقدور است مبالغ مربوط به پاداش و عیدی پایان سال و دستمزدهای کارگران را بالا بکشند. این شرایط به اوضاع ملتهد روانی و خشم و تنفر کارگران علیه کارفرما و سرمایه داران دامن زده است.

شرکت مشاورین قدس نیرو فعال در پروژه های پالایشگاهی و شیمیایی از زیر مجموعه های بنیاد جانبازان حکومت اوباش اسلامی است. درآمدهای میلیاردی شرکت به حسابهای بانکی مزدوران حکومت اسلامی در بنیاد جانبازان سرازیر میشود و رنج و محنت و فقر و گرسنگی به خانواده های کارگران تحمیل میشود. بیش از 1200 نفر کارگر با دستمزدهای 300 هزار تومانی پرداخت نشده و قراردادهای کاری از 6 ماه تا یکسال و ساعت کاری از 8 صبح تا 5 عصر در شرکت مشاورین قدس نیرو مشغول به کارند. دفتر مرکزی شرکت واقع در خیابان تخت طاوس تهران است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۸ فوریه ۲۰۱۲ - ۹ اسفند ۱۳۹۰

## کارگران شرکت راهسازی صفین

۵ ماه دستمزد معوق

بنا به خبر دریافتی، کارگران شرکت راهسازی صفین مهاباد همراه با کل پرسنل اداری آن مت ۵ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. این شرکت در پروژه ساخت اتوبان مهاباد سه راه دارلک مشغول به کار است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۹ فوریه ۲۰۱۲ - ۱۰ اسفند ۱۳۹۰

## کارگران تونل مترو تهران

(شرکت بتن سازان مهر)

اخراج گسترده کارگران، 5 ماه دستمزد معوق!

در اطلاعیه قبلی در مورخ 14/10/90 اعلام داشتیم بیش از 350 نفر از کارگران شرکت پیمانکاری بتن سازان مهر مجری احداث خط یک مترو تهران مستقر در کارگاه خیابان شریعتی دستمزدهای 3 ماهه مهر و آبان و آذر را دریافت نموده و علیرغم درخواست و اعتراضات کارگران عوامل کارفرما همچنان از پرداخت دستمزدها طفره میروند. "انصاری فر" مدیر شرکت در جواب کارگران معترض با تهدید به اخراج و توهین گفته بود من تکلیف شماها را روشن میکنم. در طی 2 ماه گذشته نه تنها ریالی از دستمزدهای معوق کارگران پرداخت نشده بلکه دستمزدهای دو ماه دی و بهمن کارگران نیز پرداخت نگردیده است و روز هفتم اسفند ماه دستمزدهای معوق کارگران به 5 ماه میرسد. عدم پرداخت دستمزدها در حالیست که در طی 2 ماه گذشته تا امروز حدود 300 نفر از کارگران نیز در حالیکه 5 ماه دستمزد طلبکارند از کار اخراج و بیکار شده اند. در این مدت پیگیری و اعتراضات کارگران اخراجی برای بازگشت به کار و دریافت 5 ماه دستمزد معوق به دلیل مخالفت و کارشکنی کارفرما و حمایت ارگانهای فاسد و مزدور حکومت اسلامی سرمایه داران از انصاری فر و همدستانش عملا بدون نتیجه بوده است.

یکی از کارگران اخراجی میگفت: چند سال است در پروژه احداث خط یک متروی تهران (تجریش - بهشت زهرا) بطور شبانه روزی از ما کار کشیده اند. در این مدت تعدادی از کارگران در زیر آوار تونل یا جانشان را از دست داده اند یا مصدوم شده و جمع بیشتری از کارگران بعلت کار مداوم در تونل بعلت عدم نور و اکسیژن کافی و استنشاق گرد و غبار به آسم و بیماریهای ریوی گرفتار شده اند. حالا که احداث خط یک مترو رو به اتمام است، حالا که خردشان از پل گذشته و سودهای میلیاردی را به بهای کار و نابودی ما به جیب زده اند، در این دو ماه گذشته به تدریج و به بهانه های واهی 300 نفر از ما را از کار اخراج نموده اند. 5 ماه دستمزد معوقمان را هم نمیدهند. همه درها در این دنیای تاریک و سیاه به روی ما کارگران بسته است. حکومت اسلامی و قانونش، اداره کار و بیمه همه از انصاری فر حمایت میکنند. درسشان را خوب بلدند، سرشان توی یک آخور است. حالا ما بلا تکلیف مانده ایم، معلوم نیست دنبال کار بگردیم، معلوم نیست دنبال شکایت و 5 ماه دستمزدی را که بالا کشیده اند بدویم، یا هر روز با زجر و شرمندگی در برابر خانواده خود را از چهره عصبانی صاحبخانه پنهان کنیم.

شرکت بتن سازان مهر مجری احداث بخشهایی از تونل مترو تهران منطقه تجریش هم اکنون با 50 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای از 3 ماه تا یکسال و دستمزدهای پرداخت نشده 300 هزار تومانی و ساعت کاری ظاهرا از 7 صبح تا 5 عصر، اما بطور شبانه روزی و ایام تعطیل میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۸ فوریه ۲۰۱۲ - ۹ اسفند ۱۳۹۰



## کارگران شرکت آذین خودرو

یکماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، تا امروز دهم اسفند ماه بیش از 60 نفر از کارگران شرکت تولیدی آذین خودرو هنوز دستمزدها و مبالغ اضافه کاری مربوط به بهمن ماه را دریافت ننموده اند. عدم پرداخت دستمزدهای بهمن ماه در حالیکه برخی از عوامل کارفرما اعلام داشته اند با توجه به کساد بازار و بدهیهای شرکت احتمالاً قادر به پرداخت عیدی و پاداش پایان سال و دستمزدهای اسفند ماه هم نخواهند بود. "رضایی" مدیر شرکت خطاب به کارگران گفته است: من بیش از این توانایی و کتسش مالی برای پرداخت دستمزدهایتان را ندارم. یا باید تحمل کنید و یا راه باز است بفرمایید تسویه حساب و اخراج.

یکی از کارگران میگفت: معلوم نیست این چه کار و بیگاری است که ما انجام میدهیم؟ ما کار میکنیم برای دستمزد، برای امکانات، برای زندگی و رفاه خانواده هایمان. اما متأسفانه در سایه سیاه این حکومت اسلامی و مثنی سرمایه دار بیکاره و سودجو کار ما کارگران به بیگاری تبدیل شده است. از صبح تا شب در بدترین شرایط نامناسب از ما کار میکشند در ازای هیچ. در پایان ماه به جای دستمزد کوهی از وعده های دروغ و تهدید بارمان می کنند و درب خروجی را به نشانه اخراج نشان می دهند. از قرار این قانون سرمایه داری و اسلام است که کار کنیم بدون دستمزد، کار کنیم در نهایت محرومیت و فقر و گرسنگی تا آخوندهای جنایتکار و سرمایه داران حسابهای بانکیشان از ثروتهای باد آورده فریه تر شود. بیش از یکماه است از شدت دندان درد و عفونت لثه در تمام شبانه روز به خود می پیچیم. با انواع قرص مسکن خودم را سرپا نگه داشته ام. برای معالجه و درمان هم نه وقت و نه پولی در بساط نیست. در همین مواقعی بیماری هم مشکلی است مزید بر اجاره خانه پس افتاده و گرانی و بدهکاری و فقر و محرومیت برای ما کارگران و خانواده هایمان.

در شرکت آذین خودرو واقع در میدان ونک تهران بیش از 60 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای موقت و سفید امضا با دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری از صبح تا شب مشغول به کارند. آذین خودرو تولید کننده انواع روکش و کف پوش خودرو میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۹ فوریه ۲۰۱۲ - ۱۰ اسفند ۱۳۹۰

## اعتصاب کارگران ماشین سازی اراک

پروژه ساخت مخازن عسلویه

بنا به خبر دریافتی، هفته گذشته کارگران ماشین سازی اراک که در پروژه عسلویه مشغول به کار هستند بمدت سه ساعت اعتصاب و دست از کار کشیدند. دلیل اعتراض کارگران عدم دریافت چهار ماه حقوق بود. بدنبال این اعتصاب کارگران موفق به دریافت حقوق معوق دو ماه شدند و کارفرما وعده داد که تا ده روز دیگر مابقی حقوق و مبالغ مربوط به عیدی را پرداخت کند. این کارگران در سه روز پیش نیز مجدداً اجتماع کردند و اعتراض شان به عدم دریافت حقوقها ادامه دادند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۹ فوریه ۲۰۱۲ - ۱۰ اسفند ۱۳۹۰

## کارگران کارخانه نئوپان گیلان (صومعه سرا)

3 ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، تا امروز هفتم اسفند ماه دستمزدهای 3 ماه گذشته آذر، دی و بهمن بیش از 150 نفر از کارگران کارخانه نئوپان گیلان پرداخت نشده است. "محمدی" مالک و مدیر کارخانه با ریاکاری و مظلوم نمایی در برابر کارگران معترض حاضر شده و با نشان دادن قبض برق پرداخت نشده کارخانه به کارگران گفته است: پول برای دستمزدهایتان ندارم، باور کنید اگر پولی بود این قبض را پرداخت میکردیم تا خط تولید کارخانه نخواست.

یکی از کارگران میگفت: خط تولید کارخانه به راه است. ما 150 نفر در دو شیفت فشرده 12 ساعته کار میکنیم. هر روزه محصولات چوب نئوپان ما از طریق کامیونها بارگیری شده و به تهران و شهرستانهای دیگر ارسال میشود. محمدی و عواملش حاضر نیستند حتی یک ساعت کار کارخانه و خط تولید بخوابد. در مسیر این تولید و کار ما و بده بستان و معاملات، این سودهای فراوان است که به حساب محمدی سرازیر میشود. حالا مردیکه دزد (محمدی) با وقاحت و بیشرمی در برابر ما کارگران و خانواده هایمان که بیش از 500 نفریم و 3 ماه است که ریالی دستمزد نگرفته و برای همه نیازهای زندگیمان از اجاره خانه تا نان شب معطل مانده ایم، ورق پاره به اصطلاح پول برق را آورده و میگوید به هزار امام و خدا و پیغمبر پول ندارم!

کارخانه چوب نئوپان گیلان واقع در صومعه سرا با بیش از 150 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای 3 ماه تا یکسال و دستمزدهای پرداخت نشده 300 هزار تومانی در دو شیفت 12 ساعته کاری تولید کننده انواع چوب و تخته نئوپان میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۸ فوریه ۲۰۱۲ - ۹ اسفند ۱۳۹۰

زنده باد جنبش مجمع عمومی کارگران!

زنده باد شوراهای کارگری!

## اعتراض کارگران پالایشگاه اصفهان

بنا به خبر دریافتی، دیروز سه شنبه کارگران پالایشگاه اصفهان در مقابل شرکت سنا اندیشه دست به تجمع و اعتراض زدند. کارگران خواستار حقوق معوق بهمن ماه، پاداش وعده داده شده اوپکی که پرداخت نشده و همینطور عیدی بودند.

کارگران صبح سه شنبه قبل از رفتن به سر کار دسته جمعی در مقابل شرکت جمع شدند و مرتباً به تعداد اعتصابیون اضافه میشد. مدیر شرکت و حراست فوراً دخالت کردند و خواستند که با معرفی نماینده و قول پیگیری اعتصاب و اجتماع خاتمه پیدا کند. کارگران به شرط اینکه بلافاصله مطالبات پرداخت شود به اعتصاب خاتمه دادند. مطالبات کارگران امروز چهارشنبه تماماً پرداخت شد. در عین حال کارفرما و حراست دست به تلاشهایی زدند که تعدادی را بعنوان "محرک" اعتصاب معرفی کنند تا فضای ارباب ایجاد کنند. اعتراض متحد کارگران برای مطالبات برحق شان به نتیجه رسید و کارفرما و حراست با پرونده سازی برای کارگران میخواد همین اتحاد را درهم شکنند. درهم شکستن سیاستهای تفرقه گرایانه و پلیسی کارفرما نیز توسط همین اتحاد کارگران عملی است.

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۹ فوریه ۲۰۱۲ - ۱۰ اسفند ۱۳۹۰

## اعتصاب کارگران در فاز ۱۵ پارس جنوبی دستگیری ۱۵ نفر از اعتصابیون

بنا به خبر دریافتی، بیش از ۱۰۰ نفر کارگران شرکت پناه ساز در مقابل درب ورودی فاز ۱۵ عسلویه دست به اجتماع و اعتراض زدند و مانع تردد به درون پالایشگاه شدند. اعتصاب و اعتراض کارگران از اول صبح شروع شد و تا ساعت ۲ بعدازظهر طول کشید. کافرما و پیمانکار با کارگران وارد صحبت شدند و حوالی ساعت ۱۱ سپاه ۱۲ الی ۱۵ نفر از کارگران معترض را دستگیر و بازداشت کرد.

اعتراض و تجمع کارگران بدلیل عدم دریافت چهار ماه حقوق و عدم پرداخت عیدی بود. بدنبال دستگیریهها و وعده یکی از عوامل مدیریت مبنی بر پرداخت دو ماه حقوق در دو روز آینده اعتراض و اعتصاب کارگران ساعت ۲ بعدازظهر به پایان رسید.

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۹ فوریه ۲۰۱۲ - ۱۰ اسفند ۱۳۹۰

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است.



## "آزادی"

یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت آور و سرکوبگر جامعه بورژوایی، یعنی رهایی از چنگال بردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی، رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پیله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش های خرافه آمیز و عقب مانده جامعه موجود، رهایی از ستم های مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوایی.

## زنده باد روز جهانی زن!

در کنفرانس بین المللی آزادی زن شرکت کنید!



Organisation for Women's Liberation - Iran

کنفرانس بین المللی بمناسبت روز جهانی زن

مارس ۲۰۱۲

اوجگیری جنبش اعتراضی در  
خاور میانه و شمال آفریقا

اوجگیری اسلام سیاسی؟

آینده برای وضعیت زنان چگونه  
ترسیم میشود؟

کنفرانس مطبوعاتی  
جمعه ۲ مارس ۲۰۱۲  
ساعت ۱ تا ۴ بعدازظهر

Viktoriahuset Samlingsal,  
Linneagatan 21  
Gothenburg, Sweden

کنفرانس  
شنبه ۳ مارس ۲۰۱۲  
ساعت ۱ تا ۷ بعدازظهر

Göteborgs Stadsmuseum,  
Norra Hamngatan 12, 411  
14 Gothenburg, Sweden

TEATERKAPIJA

تئاتر کپیا گروه تئاتر کپیا با شرکت جنا اریکسون برنامه هنری اجرا میکند.

تئاتر کپیا

ماریا هاگبری (سوئد)

Contacts:  
majedi.azar@gmail.com  
wishahia.n@gmail.com  
Tel: 0046 73262622  
www.womensliberation.net  
www.medusahuset.se

گرداننده: مریم کوشا



European Feminist Initiative  
Initiative Féministe Européenne

لیلین هلس فرنج (فرانسه)

علیا ماجده مهدی (مصر)



هما ارجمند (ایران، کانادا)



سواد آیسا بابا، الجزیره، فرانسه



نینا سانکاری (لهستان)



کریم عامر (مصر)



پروین کابلی (ایران، سوئد)



آذر ماجدی (ایران، انگلستان)



شهبلا نوری (ایران، سوئد)



۸ مارس، روز آزادیخواهی و برابری طلبی  
اعلام جرمی علیه سرمایه داری و مذهب ...

رفاه، برای ساختن یک دنیای بهتر به میدان آمده اند. در این جنبش ها زنان نقشی تعیین کننده دارند. آزادی و برابری کامل زن باید به یکی از شعارهای مهم این جنبش بدل شود. این جنبش باید بسمت نابودی سرمایه داری خیز بردارد. تنها راه دستیابی به یک جامعه آزاد، برابر و مرفه، جامعه ای که رهایی زن و برابری زن و مرد تامین و تضمین می شود، یک جامعه سوسیالیستی است که با نابودی استثمار سرمایه داری، محو کار مزدی و لغو مالکیت خصوصی هرگونه نیاز به مذهب، خشونت، تفرقه میان انسان ها و ایدئولوژی زن ستیز را از میان می برد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای این امر و آرمان مبارزه می کند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای آزادی بی قید و شرط و برابری واقعی و کامل زن و مرد می جنگد. حزب اتحاد کمونیسم کارگری تمام انسان های آزادیخواه و برابری طلب، تمام زنان آزادیخواه و ارتش کارگری که هر روزه به بیگاری گمارده می شود را فرا می خواند که به صفوف آن بپیوندند، جنبش کمونیسم کارگری را در جامعه خود متشکل و متحزب سازند و برای ساختن یک جامعه آزاد، برابر و مرفه متشکل شوند.

زنده باد آزادی و برابری زن! زنده باد ۸ مارس! زنده باد سوسیالیسم!

## در نقد سندیکالیسم

مجموعه ای از اسناد حزبی، مقالات جدلی و مباحث انتقادی، عملی و سبک کاری در جنبش کارگری



از انتشارات حزب اتحاد کمونیسم کارگری

اکتبر ۲۰۱۱

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون "خطر" سوسیالیسم،

به چه منجلاپی تبدیل میشود!

منصور حکمت

## مجمع عمومی

کارگران در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید! مجمع عمومی ظرف اعمال اراده مستقیم و مستمر توده کارگران است! جنبش مجمع عمومی کارگری را تقویت و گسترش دهید!



## ۸ مارس، روز آزادیخواهی و برابری طلبی اعلام جرمی علیه سرمایه داری و مذهب!

آذر ماجدی

ایجاد یک دنیای بهتر است. این مناسبات است که مانع اصلی مبارزه برای آزادی زن و برابری زن و مرد است.

در این دنیای وارونه استثمار خشن، از مذهب و آراء عتیق برای عقب نگاه داشتن جامعه، تفرقه انداختن در میان انسان ها، سرکوب گرایشات و جنبش های اجتماعی برای رهایی و برابری با تمام قوا استفاده می شود. به جهان بنگرید که چگونه طی سه دهه اخیر نقش مذهب در زندگی مردم افزایش یافته است؛ چگونه مذهب همچون دوران جنگ های صلیبی به کشتار انسان ها مشغول است؛ چگونه با ایدئولوژی مذهبی مردم را تکه تکه می کنند؛ چگونه با خلق یک جنبش سیاه تحت نام اسلام سیاسی، زندگی مردم یک منطقه وسیع را به ورطه نابودی کشانده اند؛ چگونه در بخشی از جهان که بیش از نیم قرن، نقش مذهب حاشیه ای شده بود، اکنون انواع و اقسام کلیسا، از کاتولیک تا ارتودوکس بجان مردم افتاده است. چگونه ایدئولوژی اسلامی و یهودیت چندین دهه است که جنایت و جنگ و خونریزی را در منطقه ای مشروع و مقدس جلوه داده است. و کیست که نداند، مذهب یک ایدئولوژی تماما زن ستیز است. مذهب محصول دوران عتیق است. اما امروز این مذهب همچون بخش لاینجزای ایدئولوژی حاکم در خدمت حفظ این نظام و تحکیم و تشدید زن ستیزی است.

مسبب موقعیت برده وار، فرودست و بیحقوق زن در قرن بیست و یک نظام سرمایه داری است. نظامی که بر مبنای تولید سود حرکت می کند

هر یک از این کالاها شیئت یافته است. هر روز خبر و گزارشی از مرگ و بیماری، از خودکشی و استیصال این زنان بخاطر شرایط وحشیانه کار در گوشه ای از روزنامه ها منتشر میشود. دنیای امروز به بازار خرید و فروش این بیگاری، برده داری و استثمار خشن بدل شده است.

گفته می شود که ستمکشی زن میراث ایدئولوژی مردسالار کهن است. مذهب و ارزش های کهن مردسالار مسبب موقعیت زن در قرن بیست و یک است. بعضا گفته می شود که مردان، بخاطر هورمون های خشونت آفرین شان مسبب این برده داری نوین اند. این ادعاها در مقابل واقعیت خشک و حساب دو دو تا چهارتای اقتصادی رنگ می بازند. در دنیای نوین، در قرن بیست و یک این نظام سرمایه داری است که دارد از بیحقوقی زن سود می برد؛ این بورژوازی است که جیب های خود را از قبل موقعیت تحت ستم زن در جامعه پر پول می کند. و این قانونمندی جان سخت سود است که بمثابة سدی محکم در مقابل دو قرن مبارزه اجتماعی برای رهایی زن قرار گرفته است. در جهانی که سود تنها محرکه آنست؛ در جهانی که حرص و ولع برای سود هر چه بیشتر بر آن حاکم است، زندانها، پلیس و ارتش و یک دستگاه پیچیده ایدئولوژیک هر آن در صدد خفه کردن هر نوع گرایش انسانی برای تغییر و

حدود دو قرن است که جنبش حقوق زن به شکل اجتماعی به میدان مبارزه برای برابری پا نهاده است. بیش از یک قرن از تعیین روزی بنام روز جهانی زن توسط جنبش کمونیستی می گذرد. اما هنوز زنان در تمام دنیا تحت ستم اند. به یمن مبارزات وسیع اجتماعی توسط جنبش آزادی زن، جنبش کارگری و کمونیستی در بخشی از جهان، در دنیای سرمایه داری پیشرفته، زنان به برخی از حقوق خویش دست یافته اند. اما این پیشروی، گرچه بسیار با ارزش، در متن جهانی همچون قطره ای در اقیانوس است. میلیون ها زن هنوز در بردگی کامل در اسارت مناسبات سرمایه داری بسر می برند؛ حقوقشان هر روزه و هر لحظه به عیان ترین شکلی پایمال می شود و حتی بعنوان شهروند درجه دوم نیز بحساب نمی آیند. در اجتماع و در خانه، در اشتغال و در متن جامعه، از نظر سیاسی و فرهنگی بطور روزمره سرکوب می شوند. سرمایه داری جهانی سودهای کلانی از قیل کار مزدی این زنان به جیب می زند. به یمن جهانی شدن سرمایه داری و ارتباطات گسترده در سراسر جهان، هر روزه در گوشه و کنار دنیا محصولات این ارتش بیگاری کارگری در شکل کالاها لوکس، پوشاک در مزن های «از ما بهتران» یا فروشگاه های مد ارزانتر، کامپیوتر، تلفن های موبایل و کالاهای روزمره ارزان که به بازارهای جهان صادر می شود، خرید و فروش می شود. فقر و فلاکت، مشقت و رنج و اسارت این زنان بیحقوق کارگر در درون

و استثمار نیروی کار بردگان مزدی مبنای وجودی آنرا تشکیل می دهد. این نظام با تمام خشونت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را به طبقات و اقشار مختلف تقسیم می کند و آنها را بجان یکدیگر می اندازد. ستم جنسی یکی از شنیع ترین و خشن ترین اشکال ستمکشی در جامعه سرمایه داری است. بویژه در بخش وسیعی از جهان این خشونت ابعادی باورنکردنی دارد: از زنده بگور کردن نوزادان دختر، تا قتل های ناموسی، تا اسید پاشی به چهره زنان «نافرمان»، تا اسارت آنها در حجاب سیاه اسلامی و محکوم کردن جامعه به زیستن تحت آپارتاید جنسی. درست است که اینها اشکال بروز ستمکشی زن تحت ایدئولوژی مذهبی است، اما این جنایات تحت مناسبات سرمایه داری بوقوع می پیوندد و به نیازهای آن پاسخگو است.

نقطه امید، اما جنبش ها و خیزش های عظیم توده ای در سراسر جهان و بویژه در خاورمیانه و شمال آفریقا است. در شرایطی که بحران عمیق سرمایه داری گلوی دنیا را می فشارد، میلیونها انسان در گوشه و کنار جهان به خیابان ها آمده اند تا از آنچه یک درصد جامعه می نامند، خلع ید کنند؛ تا رژیم های استبداد نظامی - مذهبی سرمایه را به زیر کشند؛ میلیونها انسان برای آزادی، برابری و